



بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

مدیریت کل نظارت بر بانکها و موسسات اعتباری

«اداره مطالعات و مقررات بانکی»

رویه‌های صحیح افشا و حسابداری وام

از انتشارات کمیته نظارت بر بانکداری

بانک تسویه بین‌المللی

(جولای ۱۹۹۹)

ترجمه: فرهاد خالتي

گروه مجوزهای بانکی

خرداد ۱۳۸۵

فهرست مطالب

صفحه

پیشگفتار مترجم

۱

خلاصه اجرایی

۳

فهرستی از رویه‌های صحیح

۷

I-مقدمه

۸

(a) اهداف

۱۰

(b) دامنه کاربرد

۱۳

(c) سابقه و تاریخچه

۱۷

(d) چکیده مقاله

۱۸

(e) واژگان و اصطلاحات مورد استفاده

۲۲

II- اصولی برای حسابداری صحیح

۲۸

III- حسابداری وام‌ها

۲۸

(a) شناسایی، عدم شناسایی و اندازه‌گیری

۳۱

(b) شناسایی و اندازه‌گیری آسیب

۴۳

(c) کفایت کل ذخایر

۴۶

(d) شناسایی در آمد

۴۹

IV- افشاهای عمومی

۵۲

(a) رویه‌ها و سیاست‌های حسابداری

۵۳

(b) مدیریت ریسک اعتباری

۵۴

(c) منابع در معرض ریسک اعتباری

۵۶

(d) کیفیت اعتباری

۵۹	۷- نقش ناظران
۶۰	۷I- مسائل پدیدار شده
۶۰	(a) حسابداری و افشاء ارزش منصفانه
۶۲	(b) رویکردهای جدید ذخیره‌گیری در خصوص ریسک اعتباری
۶۴	ضمیمه

«بسمه تعالی»

پیشگفتار مترجم

گزارش‌های مالی یک بانک می‌بایست یک تصویر و نگرش منصفانه و حقیقی از عملکرد و وضعیت مالی آن ارائه نماید. رویه‌های ذخیره‌گیری زیان و ام‌ها و افشای ریسک اعتباری از جمله مباحث مهم و اساسی در سیستم بانکی است که با توجه به تاثیر آنها بر وضعیت مالی بانک‌ها و با عنایت به نیاز فعالان بازار به اینگونه اطلاعات ملحوظ نظر مراجع نظارتی می‌باشد.

در تجزیه و تحلیل وضعیت نقدینگی هر واحد اقتصادی، مطالبات به عنوان بخش مهمی از منابع تامین‌کننده وجوه نقد جهت پرداخت تعهدات کوتاه مدت مورد توجه قرار می‌گیرد به همین جهت استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی باید اطمینان کافی و معقول از قابل وصول بودن مطالبات در سررسیدهای تعیین شده را داشته باشند. در ارزیابی جریان‌های ورودی نقدی آتی حاصل از مطالبات عوامل متعددی دخیلند که از جمله می‌توان وضعیت مالی قرض‌گیرنده، عملکرد قرض‌گیرنده و ارزش جاری وثیقه‌ها را ذکر نمود. بر همین اساس در سیستم بانکی بنابر توصیه‌های کمیته بال به منظور ارزیابی کیفیت دارایی‌های یک بانک معمولاً دارایی‌ها را به پنج طبقه به صورت نزولی جاری، سهل‌الوصول، محتمل‌الوصول، صعب‌الوصول و لاوصول طبقه‌بندی می‌نمایند. با توجه به شناسایی و ارزیابی آسیب وارده به وام‌ها و براساس طبقه‌بندی انجام شده ذخیره‌گیری به صورت عام و خاص صورت می‌گیرد.

استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی بانک‌ها هم‌چنین به اطلاعات مربوط، قابل اعتماد و قابل مقایسه نیاز دارند که آنها را در ارزیابی از وضعیت مالی و عملکرد بانک یاری دهد و در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی قابل استفاده باشد. از همین رو موارد افشا در صورت‌های مالی بانک‌ها از جمله در خصوص ریسک اعتباری، انتظار معقولی است که می‌بایست مدیریت بانک به نحو مناسب آن را برآورده نماید.

نوشتار حاضر ترجمه یکی از متون کمیته بال می‌باشد که در زمینه رویه‌های صحیح

افشا و حسابداری وام توصیه‌هایی را ارائه می‌نماید.

«بسمه تعالی»

«رویه‌های صحیح افشا و حسابداری وام (جولای ۱۹۹۹)»

خلاصه اجرایی:

این مقاله رهنمودهایی برای بانکها و ناظران بانکی درخصوص شناسایی و اندازه‌گیری وام‌ها، ذخیره‌گیری زیان وام‌ها، افشا ریسک اعتباری و موضوعات مرتبط ارائه می‌نماید.

علاوه بر این، نگرش‌های بازرسان بانکی را درخصوص رویه‌های صحیح افشا و حسابداری وام بانکها تنظیم و تدوین می‌نماید. همچنین این مقاله برای ارزیابی‌های نظارتی درخصوص رویه‌ها و سیاست‌های بانکها در این حوزه‌ها (افشا و حسابداری) یک چارچوب زیربنایی محسوب می‌گردد. علاوه بر این ممکن است برای تنظیم‌کنندگان استانداردهای حسابداری مفید باشد.

برای پیشرفت در رویه‌های افشا و حسابداری فعالیت وام‌دهی بانکها و ریسک‌های اعتباری مرتبط، وجود سازمان‌های بین‌المللی مختلفی از جمله کمیته بال ضروری است. رویه‌های حسابداری به طور عام و رویه‌های حسابداری وام به طور خاص می‌توانند بر دقت گزارش‌های نظارتی و مالی و محاسبه سرمایه مرتبط تاثیر چشمگیر داشته باشند. علاوه بر این، رویه‌های صحیح افشا و حسابداری وام برای اطمینان از بهبود شفافیت ضروری است به طوری که نظارت موثر و نظم بازار مؤسسات مالی را تسهیل بخشد. گذشته از این، وجود کمیته بال، وزاری اقتصادی و دارایی گروه ۷، روسای کل بانک‌های مرکزی گروه ۱۰ و مؤسسات مالی بین‌المللی مانند صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی برای پیشرفت در این حوزه لازم می‌باشند.

مقاله حاضر، با بیان اهداف کلی کمیته بال از طرح موضوع رویه‌های صحیح افشا و حسابداری وام شروع می‌شود و سپس الزامات و واژه‌های کلیدی این رهنمود را برای فرآیند مدیریت ریسک اعتباری به طور خلاصه بیان می‌نماید. این مقاله در ادامه در خصوص رویه‌های صحیح موضوعات کلیدی حسابداری وام مانند شناسایی و اندازه‌گیری اولیه وام‌ها، اندازه‌گیری بعدی وام‌های آسیب دیده، ذخیره‌گیری برای زیان وام‌ها و شناسایی درآمد رهنمودهایی را ارائه می‌نماید. توضیح این که این مقاله رویه‌های صحیح افشا را با تمرکز بر ریسک اعتباری در پرتفوی وام، ارائه می‌نماید.

هم‌چنین یک بحث خلاصه‌ای را در خصوص نقش ناظران در ارزیابی مدیریت کیفیت دارایی‌های یک بانک و کفایت ذخایر مربوط به زیان ناشی از وام‌های پرداختی ارائه می‌نماید. چهار مساله اساسی ناظران در رابطه با افشا و حسابداری وام عبارتند از:

الف - کفایت فرآیندهای یک موسسه برای تعیین ذخایر

ب - کفایت کل ذخایر

ج - شناسایی به موقع زیان‌های شناخته شده از طریق ذخایر خاص یا حذف آنها

د - افشای به موقع و دقیق ریسک اعتباری

انتشار این مقاله جزئی از کار مستمر کمیته برای بهبود نظارت موثر بانکی و ایجاد صحت و سلامت در سیستم‌های بانکی می‌باشد. این مقاله اصول اساسی کمیته بال در زمینه حسابداری و افشاء فعالیت وام‌دهی بانک‌ها و ریسک اعتباری مرتبط با آنها را تکمیل می‌نماید. اجرای بین‌المللی رهنمودهای این نوشتار که با رویه‌های مدیریت صحیح ریسک هم در کشورهای گروه ۱۰ و هم غیر گروه ۱۰ سازگار می‌باشد، می‌بایست بانک را در دستیابی به رویه‌ها و خط‌مشی‌های پیشرفته حسابداری کمک نماید و هم‌چنین تقارب و همگرایی چنین خط‌مشی‌ها و رویه‌هایی را در میان کلیه بانک‌ها و کشورها افزایش دهد.

فهرستی از رویه‌های صحیح

اصولی برای حسابداری صحیح

- ۱- هر بانک ضروری است یک سیستم صحیح برای مدیریت ریسک اعتباری تعریف نماید.
- ۲- قضاوت‌های مدیریت در رابطه با شناسایی و اندازه‌گیری آسیب‌های وارده به وام‌ها می‌بایست مطابق با رویه‌ها و سیاست‌هایی مستند صورت گیرد، به طوری که مبانی اصل سازگاری و اصل احتیاط را منعکس نماید.
- ۳- انتخاب و به کارگیری رویه‌ها و سیاست‌های حسابداری می‌بایست با مفاهیم اساسی حسابداری سازگاری و انطباق داشته باشد.

حسابداری وام‌ها

شناسایی، عدم شناسایی و اندازه‌گیری

- ۴- هر بانک می‌بایست یک وام را صرفاً زمانی در ترازنامه‌اش شناسایی کند - خواه خود وام را ایجاد کرده باشد و خواه آن را خریداری کرده باشد - که طرف حساب مفاد قید شده در قرارداد وام باشد.
- ۵- هر بانک صرفاً هنگامی می‌بایست یک وام (یا بخشی از یک وام) را از ترازنامه‌اش حذف نماید که کنترل حقوق قراردادی نسبت به وام مزبور (یا بخشی از وام) را از دست بدهد.
- بانکی که چنین کنترلی را از دست می‌دهد اگر حقوقی نسبت به منافع تعیین شده در قرارداد شناسایی کرده باشد آن حقوق منقضی می‌گردد یا بانک از آن حقوق صرف‌نظر می‌نماید.
- ۶- هر بانک می‌بایست اساساً یک وام را برحسب بهای تمام شده اندازه‌گیری نماید.

آسیب: شناسایی و اندازه‌گیری

- ۷- وقتی که این احتمال وجود دارد که بانک قادر نخواهد بود یا دیگر اصلاً تضمینی وجود نداشته باشد که کل مبلغ وام‌ها را مطابق شرایط قرارداد وصول نماید بانک می‌بایست آسیب‌های وارده به یک وام یا یک گروه ارزیابی شده از وام‌ها، را شناسایی نماید.

آسیب وارده می‌بایست به وسیله کاهش مبلغ اسمی وام (وام‌ها) از طریق ذخیره یا حذف (به حساب زیان منظور کردن) و لحاظ کردن آن در صورت حساب سود و زیان در دوره‌ای که آسیب رخ می‌دهد شناسایی گردد.

۸- هر بانک می‌بایست یک وام آسیب‌دیده را بر حسب مبلغ تخمینی قابل بازیافت آن اندازه‌گیری نماید.

کفایت کل ذخایر

۹- مجموع مبالغ ذخایر عام و خاص به منظور جذب زیان‌های اعتباری تخمینی مرتبط با پرتفوی وام، می‌بایست از کفایت لازم برخوردار باشد.

شناسایی درآمد

- ۱۰- هر بانک می‌بایست درآمد حاصل از بهره وام آسیب‌ندیده را بر مبنای رویه تعهدی و با استفاده از روش نرخ بهره موثر شناسایی نماید.
- ۱۱- وقتی وامی به عنوان آسیب‌دیده شناسایی می‌شود بانک می‌بایست شناسایی بهره متعلقه را مطابق شرایط قرارداد متوقف کند.

افشاهای عمومی

۱۲- مطابق با مفهوم "اهمیت"، افشاها در گزارش‌های مالی سالیانه یک بانک می‌بایست با اندازه و ماهیت فعالیت‌های بانک سازگاری و انطباق داشته باشد.

رویه‌ها و سیاست‌های حسابداری

- ۱۳- هر بانک می‌بایست اطلاعاتی درباره رویه‌ها و سیاست‌های حسابداری و شیوه‌هایی که برای حسابداری وام‌ها استفاده می‌کند افشا نماید.
- ۱۴- هر بانک می‌بایست اطلاعاتی درباره سیاست‌های حسابداری و روش‌هایی که برای تعیین ذخایر خاص و عام استفاده می‌کند افشا نماید و همچنین بانک می‌بایست مفروضات کلیدی مورد استفاده را تشریح نماید.

مدیریت ریسک اعتباری

۱۵- هر بانک می‌بایست اطلاعات کیفی درباره مدیریت ریسک اعتباری و سیاست‌ها و رویه‌های کنترلی خود افشا نماید.

منابع در معرض ریسک

- ۱۶- هر بانک می‌بایست اطلاعاتی درباره وام‌ها بر اساس گروه‌های اصلی استقراض کنندگان افشا نماید.
- ۱۷- هر بانک می‌بایست اطلاعاتی درباره وام‌ها بر حسب مناطق جغرافیایی ارائه نماید.
- ۱۸- هر بانک می‌بایست اطلاعاتی درباره تمرکزهای عمده و معنی‌دار ریسک اعتباری افشا نماید.
- ۱۹- هر بانک می‌بایست خلاصه اطلاعاتی درباره تعهدات قراردادی در رابطه با ترتیباتی که برای آنها حق رجوع پیش‌بینی شده و زیان‌های مورد انتظار تحت این قراردادها، افشا نماید.

کیفیت اعتباری

- ۲۰- هر بانک می‌بایست اطلاعاتی درباره وام‌های آسیب‌دیده و سررسید گذشته بر مبنای طبقات و گروه‌های اصلی قرض‌گیرندگان و مقادیر ذخایر خاص و عامی که برای هر طبقه و گروه در نظر گرفته می‌شود، افشا نماید.
- ۲۱- هر بانک می‌بایست اطلاعاتی درباره وام‌های آسیب‌دیده و سررسید گذشته و در صورت امکان مقدار ذخایر خاص و عام مربوط به هر منطقه را افشا نماید.

بر حسب مناطق جغرافیایی

- ۲۲- هر بانک می‌بایست یک صورت تطبیقی از تغییرات به وجود آمده در ذخایر وام‌های آسیب‌دیده افشا نماید.
- ۲۳- هر بانک می‌بایست مانده وام‌هایی که بهره متعلقه (مطابق با شرایط قرارداد اولیه وام) به دلیل زوال کیفیت اعتباری متوقف شده است را افشا نماید.
- ۲۴- هر بانک می‌بایست خلاصه اطلاعاتی در خصوص وام‌های مسالهدار که در طی سال تجدید ساختار شده‌اند را افشا نماید.

نقش ناظران

۲۵- ناظران بانکی می‌بایست اثر بخشی رویه‌ها و سیاست‌های بانک در خصوص سنجش کیفیت وام‌ها را ارزیابی نمایند.

۲۶- ناظران بانکی می‌بایست متقاعد شوند که روش‌های به کارگیری شده به وسیله هر بانک برای محاسبه ذخایر، بر یک معیار احتیاطی منطقی و درست - مطابق با رویه‌ها و سیاست‌های صحیح - طراحی گردیده است.

رویه‌های صحیح افشا و حسابداری وام (جولای ۱۹۹۹)

I – مقدمه

۱- این نوشتار که به وسیله کمیته نظارت بانکی بال^۱ منتشر شده است، رهنمودهایی را درباره شناسایی و اندازه‌گیری وام‌ها، ذخیره‌گیری زیان وام‌ها، افشا ریسک اعتباری و موضوعات مرتبط ارائه می‌نماید. این مقاله نگرش و دیده ناظران بانکی درباره رویه‌های صحیح افشا و حسابداری وام بانک‌ها را منعکس می‌نماید^۲. این نوشتار همچنین یک چارچوب بنیادی را برای ارزیابی نظارتی از سیاست‌ها و رویه‌های بانک در این حوزه‌ها ارائه می‌نماید.

۲- از آن جایی که کمیته بال، یک کمیته تدوین‌کننده استاندارد حسابداری نمی‌باشد، سازمان‌های عضو آن به طور تنگاتنگی با تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری ملی در تعامل می‌باشند و کمیته خودش به منظور بهبود بیشتر و در خور توجه مباحث احتیاطی با کمیته استانداردهای بین‌المللی حسابداری (IASB) در توسعه استانداردهای حسابداری ملی و بین‌المللی همکاری می‌نماید.

۱ - کمیته بال در امور نظارت بانکی یک کمیته مرجع نظارت بانکی است که به وسیله روسای کل بانک‌های مرکزی کشورهای گروه ۱۰ در سال ۱۹۷۵ ایجاد گردید. این کمیته از نمایندگان ارشد مراجع نظارت بانکی و بانک‌های مرکزی کشورهای بلژیک، کانادا، فرانسه، آلمان، ایتالیا، ژاپن، لوکزامبورگ، هلند، سوئد، سوئیس، بریتانیا و ایالات متحده تشکیل شده است.

به طور معمول اجلاس‌های این کمیته در بانک تسویه بین‌الملل در شهر بال، که مقر دبیرخانه دائمی این کمیته می‌باشد، برگزار می‌شود.

۲ - موسسات مالی دیگر که فعالیت وام‌دهی در سطح عمده انجام می‌دهند و همچنین ناظران آنها می‌توانند رهنمودهای مفیدی در این مقاله بیابند.

کمیته بال از هماهنگی و توسعه استانداردها در سطح بین‌المللی حمایت می‌کند^۱. این کمیته بر این موضوع واقف است که رهنمودهای مذکور در "بیانیه (نوشتار) رویه‌های صحیح" در چندین حوزه از جمله در خصوص افشاهای عمومی، فراتر و جامع‌تر از آن چیزی است که به وسیله کمیته استانداردهای بین‌المللی و بعضی تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری ملی منتشر شده است^۲. به همین دلیل، اعمال و بکارگیری مستمر رویه‌های صحیح در این مقاله در بسیاری از کشورها مناسب می‌باشد. کمیته معتقد است که رهنمودهای تکمیلی ارائه شده در این مقاله برای شناسایی رویه‌های صحیح حسابداری وام و افشاهای مربوطه ضروری است.

a) اهداف:

هدف اصلی از انتشار چنین مقاله‌ای در خصوص افشا و حسابداری وام، تسهیل نظارت موثر بانکی و نظم بازار بانک‌ها می‌باشد. برای دستیابی به این هدف این مقاله:

۱ - به دنبال درخواست وزرای اقتصادی و دارایی گروه ۷ و روسای کل بانک‌های مرکزی در اکتبر ۱۹۹۸، کمیته بال بر مبنای یک رویکرد نظارت بانکی یک بازنگری از استانداردهای بین‌المللی حسابداری (که به وسیله کمیته استانداردهای بین‌المللی حسابداری منتشر شده است) را متقبل شده است. یک استاندارد مشهور در این زمینه استاندارد سی و نه بین‌المللی حسابداری (IAS) تحت عنوان "ابزارهای مالی: شناسایی و اندازه‌گیری" می‌باشد. به دلیل این که بازنگری مزبور فعلاً در جریان می‌باشد کمیته بال هنوز در موقعیتی نیست که استفاده از کل مجموعه استانداردهای بین‌المللی حسابداری برای بانک‌ها را (برای اهداف نظارتی) تجویز نماید.

۲ - برای مثال استاندارد سی‌ام بین‌المللی حسابداری تحت عنوان "افشا در صورت‌های مالی بانک‌ها و موسسات مالی مشابه" در سال ۱۹۹۰ منتشر شد. از آن پس رویه‌های مدیریت ریسک اعتباری به طور چشمگیری تکامل یافته است. بنابراین، این مقاله توصیه‌هایی علاوه بر استانداردهای بین‌المللی حسابداری که برای بانک‌ها کاربرد دارد ارائه می‌نماید.

۱) رهنمودهایی برای بانکها و نهادهای نظارتی درخصوص رویه‌های صحیح افشا و حسابداری وام ارائه می‌نماید.^۱

۲) رویه‌های افشا و حسابداری وام که با رویه‌های مدیریت صحیح ریسک بانکها هم در کشورهای گروه ۱۰ و هم غیر گروه ۱۰ سازگاری دارد، بهبود و ارتقاء بخشد.

۳) همگرایی سیاستها و رویه‌های افشا و حسابداری وام در میان کشورها و بانکها را افزایش می‌دهد.

۴) رهنمودهای حاضر در این مقاله بر این اصل استوار است که رویه‌ها و سیاستهای حسابداری می‌بایست این اطمینان را به وجود آورد که دارایی‌ها و درآمدهای حاصل از وام محتاطانه و منصفانه بیان شده است و نتیجتاً این که سرمایه به صورت صحیح و درست محاسبه گردیده است.

این مقاله از بسیاری جنبه‌ها، اصولی را که تقریباً در بسیاری کشورها در سطح وسیعی پذیرفته شده است، تنظیم و تدوین می‌نماید. با این وجود، کمیته بال معتقد است که این مقاله می‌تواند نقش مفیدی در نشان دادن نیاز به بهبود استانداردهای افشا و حسابداری فعالیت‌های وام‌دهی بانکها ایفا نماید.

۵) این رهنمودها بر این مساله تاکید دارند که چهار مساله اصلی ناظران در رابطه با افشا و حسابداری وام عبارتند از:

(a) کفایت فرآیندهای یک موسسه برای ذخیره‌گیری‌ها

(b) کفایت کل ذخایر

(c) شناسایی به موقع زیان‌های شناخته شده از طریق ذخایر خاص یا حذف

آنها

۱ - این مقاله ممکن است هم‌چنین برای تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری مفید باشد.

(d) افشاهای به موقع و دقیق ریسک اعتباری

- ۶) انتشار این مقاله جزئی از کار مستمر کمیته، به منظور بهبود نظارت موثر بانکی و ایجاد صحت و سلامت در سیستم‌های بانکی می‌باشد. در اصول اساسی کمیته بال^۱، الزامات حداقلی برای یک سیستم موثر نظارتی تعریف می‌شود و ترتیباتی برای بهبود ثبات در بازار مالی مطرح می‌گردد. این نوشتار بعضی از اصول اساسی را بسط و گسترش می‌دهد به طوری که ناظران بانکی را به تامین موارد ذیل ملزم می‌کند:
- بانک سیاست‌ها و رویه‌های کافی برای ارزیابی کیفیت دارایی‌ها، کفایت ذخایر زیان وام‌ها و اندوخته زیان وام‌ها ایجاد، و به آن پای‌بند می‌باشد (اصل ۸)^۲.
 - هر بانک گزارش‌های کافی در رابطه با رویه‌ها و سیاست‌های منسجم حسابداری ارائه نماید به طوری که ناظران را در کسب یک دیدگاه حقیقی و منصفانه از شرایط مالی بانک و سوددهی فعالیت تجاریش کمک نماید (اصل ۲۱ اولین بند).
 - بانک به صورت منظم صورت‌های مالی را که به طور منصفانه و بی‌شائبه شرایط را منعکس می‌سازند، منتشر نماید (اصل ۲۱، دومین بند).

(b) دامنه کاربرد

- ۷) از آن جایی که این مقاله شرح و بسطی از بعضی از اصول اساسی کمیته بال می‌باشد لذا برای همه موسسات بانکی کاربرد دارد. به هر حال روش‌هایی که بر مبنای این

۱ - اصول اساسی برای نظارت موثر بانکی "به وسیله کمیته بال در سپتامبر سال ۱۹۹۷ بعد از مشورت

با ناظران بانکی در سراسر جهان منتشر شده است.

۲ - همان طور که در بخش I(e) صحبت شد، نظر به این که بعضی حسابداران به دلایل مفهومی از

واژه اخیرالذکر (اندوخته) در زمینه آسیب وام اجتناب می‌ورزند این مقاله از واژه "ذخیره" به جای

"اندوخته" استفاده می‌کند.

رهنمود انجام می‌شوند می‌بایست دامنه و پیچیدگی عملیات منحصر به فرد یک بانک را منعکس و نمایان سازند.

۸) تمرکز این مقاله بر رویه‌های افشا و حسابداری مربوط به ریسک اعتباری وام‌هایی است که در دفاتر بانکی نگهداری می‌شود^۱. علاوه بر این، رویه‌های صحیح حسابداری وام‌هایی که با اهداف تجاری نگهداری می‌شوند موضوع بحث این مقاله نمی‌باشد. البته ریسک اعتباری در فعالیت‌های غیر از وام‌دهی هم وجود دارد. لیکن اندازه‌گیری و ذخیره‌گیری مربوط به ریسک اعتباری در دیگر فعالیت‌های بانکی (مانند فعالیت‌های تجاری و ابزار مشتقه) عموماً خارج از حوصله این مقاله می‌باشد. کمیته بال بر این مساله اذعان دارد که موسسات بانکی می‌بایست مطمئن باشند که احتیاطاً ریسک اعتباری در این حوزه‌ها در صورت‌های مالی آنها اندازه‌گیری، مدیریت و افشا گردد^۲. بسیاری از اصول این نوشتار ممکن است برای موسسات و ناظرانشان در خصوص مسائل افشا و حسابداری آنها مفید باشد.

۱ - هزینه وام‌ها می‌تواند به دلایلی غیر از ریسک اعتباری مثلاً وضعیت‌های عدم انطباق نرخ بهره (بین سپرده‌گیری و ارائه وام) ناشی شود. به هر حال این مقاله در ابتدا مسائلی که از ریسک اعتباری ناشی می‌شود را بررسی خواهد کرد.

۲ - در فوریه ۱۹۹۹ کمیته بال به طور مشترک با کمیته تکنیکی سازمان بین‌المللی کمیسیون‌های اوراق بهادار (IOSCO) یک مقاله مشورتی تحت عنوان "توصیه‌هایی برای افشا عمومی فعالیت‌های تجاری و اوراق مشتقه بانک‌ها و شرکت‌های اوراق بهادار" منتشر نمود. هم‌چنین "کمیته دایمی واحد پولی یورو" مقاله "افشا عمومی ریسک‌های اعتباری و ریسک بازار واسطه‌های مالی" (سپتامبر ۱۹۹۴) شامل توصیه‌هایی در خصوص افشا فعالیت‌های تجاری و ابزارهای مشتقه در موسسات مالی منتشر نموده است. علاوه بر این در جولای ۱۹۹۹ کمیته بال یک مقاله مشورتی در مورد "بهترین رویه‌های افشا ریسک اعتباری" منتشر نمود.

۹) در بسیاری کشورها سیاست‌های حسابداری تا حدی کم و بیش تحت تاثیر ملاحظات مالی قرار می‌گیرند. برای مثال بسیاری از کشورها که عضو کمیته بال می‌باشند معافیت‌های مالیاتی را برای ذخایر خاص یا مطالبات لاوصولی که از حساب‌ها حذف می‌شود (در سالی که رخ می‌دهند) قائل می‌باشند. اگرچه همگرایی و یکپارچگی در رفتارهای مالیاتی خارج از حوزه بحث این مقاله می‌باشد اما آن مهم است که رفتارهای مالیاتی درخصوص کفایت و به موقع بودن ذخیره‌گیری وام به عنوان یک عامل ضد انگیزشی عمل نکند.

۱۰) کمیته بال برخی مسائل را شناسایی کرده است که با موضوعات مطروحه در این مقاله به طور تنگاتنگی مرتبط می‌باشند. از جمله این مسائل عبارتند از طبقه‌بندی وام‌ها و مسائل حسابداری مرتبط با جایگزین‌های اعتباری (مانند ضمانت‌نامه‌ها و اعتبار اسنادی‌ها)، تعهدات و حقوق حفظ شده در وام‌های منتقل شده (مثل حق رجوع در تبدیل به اوراق بهادار نمودن دارائی‌ها)، تخصیص مجدد و ریسک اعتباری (مانند اوراق مشتقه اعتباری و بیمه‌های اعتباری) و ریسک کشوری. کمیته بال به عنوان بخشی از برنامه‌های کاری‌اش برای ارتقاء رویه‌ها و سیاست‌ها، در صدد بررسی این موضوع است که آیا بسط و توسعه رویه‌های صحیح در این حوزه‌ها مطلوب است یا خیر.

۱۱) کمیته (بال) آگاه است که بسیاری بانک‌ها در جستجوی رویکردهایی برای ذخیره‌گیری هستند که به تکنیک‌های مدل‌سازی ریسک اعتباری متکی باشند. بر این اساس، ذخیره‌گیری زیان وام‌ها براساس تجزیه و تحلیل آماری از داده‌های هزینه‌های تاریخی و دیگر عواملی که از پیش‌بینی رفتار آتی هزینه‌ها بدست می‌آید صورت می‌پذیرد.

ذخیره‌گیری بر این مبنا از ذخیره‌گیری که به طور متداول در حسابداری مالی به وسیله بسیاری موسسات صورت می‌گیرد، کاملاً متفاوت است. این رویکردهای جدید به صورت خلاصه در بخش VI(b) در انتهای این مقاله ذکر گردیده‌است. کمیته (بال) اینگونه جریانات و بهبودهای صورت‌گرفته را در حال حاضر تحت ارزیابی و بازنگری قرار می‌دهد.

۱۲) کمیته بال تعدادی مقالات جداگانه در رابطه با موضوعات حوزه ریسک اعتباری ارائه نموده است. در آوریل ۱۹۹۹، کمیته مقاله ای در رابطه با مدلسازی ریسک اعتباری منتشر نمود (مدلسازی ریسک اعتباری: کاربرد و رویه های جاری) که درخصوص رویه ها و مسائل جاری در مدلسازی ریسک اعتباری بحث می نماید. در جولای ۱۹۹۹ کمیته یک مقاله مشورتی درخصوص مدیریت ریسک اعتباری منتشر نمود (اصولی برای مدیریت ریسک اعتباری) که در این موضوع پیچیده، سیاست های حسابداری نقش مهمی را ایفا می نماید.

در همان زمان کمیته یک مقاله مشورتی درخصوص افشا ریسک اعتباری (بهترین رویه ها برای افشا ریسک اعتباری) منتشر نمود که نه تنها رهنمودهای افشا درخصوص ریسک اعتباری در فعالیتهای وام دهی مذکور در این مقاله را تکمیل نموده است بلکه دیگر انواع فعالیتهای بانکی شامل امور تجاری، سرمایه گذاری، مدیریت نقدینگی / وجوه و مدیریت دارایی ها را پوشش داده است.

(c) سابقه و تاریخچه

۱۳) باوجود آنکه کمیته بال تدوین کننده استانداردهای حسابداری بین المللی نمی باشد ناظران بانکی، درخصوص اطمینان از احتیاطی و صحیح بودن رویه ها و اصول حسابداری و همچنین مناسب بودن افشاها برای موسسات بانکی، دارای حق مشروع و قانونی می باشند.

عموماً ناظران بانکی رهنمودهای نظارتی درخصوص استانداردهای گزارش دهی و الزامات کفایت سرمایه تهیه می نمایند.

در بعضی حوزه های قضایی ناظران بانکی اختیار تصمیم گیری درخصوص رویه ها و اصول حسابداری را ندارند. به هر حال در چندین کشور ناظران بانکی استانداردهای حسابداری و رهنمودهای حسابداری تهیه می کنند یا عموماً درخصوص اصول پذیرفته شده حسابداری برای صورت های مالی بانکها و گزارش های احتیاطی مورد استفاده به وسیله ناظران، شرح و بسط مفصلی ارائه می نمایند.

رفتارهای حسابداری به طور عام و رفتارهای حسابداری وام به طور خاص می‌تواند به طور معنی‌داری بر دقت گزارش‌های نظارتی و محاسبات مرتبط با موضوع سرمایه اثرگذار باشد.

۱۴) منافع قابل توجهی در دستیابی به یکسان‌سازی و شفافیت بیشتر در خصوص نحوه ارزیابی وام‌ها، ذخیره‌گیری برای زیان وام‌ها و منابع در معرض ریسک اعتباری وجود دارد. علاوه بر این کمیته بال، وزرای اقتصادی و دارایی کشورهای گروه ۷، روسای بانک‌های مرکزی کشورهای گروه ۱۰ و موسسات مالی بین‌الملل مانند صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی برای کمک به پیشرفت در این حوزه فراخوانده شده‌اند.

۱۵) همه ناظران با توجه به رهنمودهای ارائه شده در این مقاله، به بازنگری و اصلاح رهنمودها یا مقررات جاری‌شان به شیوه‌ای که با سیستم‌های ملی آنها بهتر سازگاری داشته‌باشد تشویق می‌شوند.^۱ همچنین در کشورهایی که با توجه به مقررات ملی آنها به اندازه مکفی ذخایر زیان وام یا افشاهای ریسک اعتباری صورت نمی‌گیرد ناظران ممکن است به دلایلی بهبود در مقررات افشا یا حسابداری ملی را مفید تشخیص دهند و رهنمودهای نظارتی خاصی برای مثال در خصوص کفایت سرمایه و اهداف گزارش‌گیری نظارتی ارائه دهند. برای اطمینان از اینکه استانداردهای حسابداری ملی مناسب و کافی به نظر برسند تا جاییکه ممکن است ناظران می‌بایست در بهبود استانداردهای حسابداری تلاش نمایند.

۱۶) حسابداری: رویه‌ها و سیاست‌های حسابداری برای فعالیت‌های وام‌دهی بانک یک بخش اساسی از فرآیند مدیریت صحیح ریسک اعتباری در یک بانک می‌باشد. تجارب نشان می‌دهد که تا امروز دلیل عمده شکست‌های بانکی مدیریت ضعیف ریسک اعتباری و کیفیت ضعیف اعتبار بوده‌است. ضعف در

□۱- بعضی ناظران ممکن است بخواهند تا «رویه‌های صحیح» ارائه‌شده در این مقاله را با تهیه رهنمودهای

تفصیلی‌تر تکمیل نمایند.

تشخیص و شناسایی به موقع زوال کیفیت اعتباری می‌تواند موجب تداوم و حادث‌تر شدن مسئله گردد. بانکی که در رویه‌ها یا استراتژی‌های وام‌دهی پر ریسک اصرار می‌ورزد در اثر انباشت و تراکم عمده زیان‌های وام احتمالاً با شکست مواجه می‌گردد مگر اینکه زوال و آسیب‌های وارده به کیفیت اعتبارات به موقع تشخیص داده‌شوند و به وسیله حذف یا ذخیره‌گیری کافی، زیان‌ها شناسایی گردند. بنابراین از منظر صحت و سلامت بانکی برای ناظران بانکی مهم است که اصول مورد استفاده به وسیله بانک‌ها بیانگر معیارهای واقعی و احتیاطی در خصوص دارایی‌ها، بدهی‌ها، حقوق صاحبان سهام، قراردادهای ابزار مشتقه، تعهدات زیرخط ترازنامه و سود و زیان‌های مربوطه باشد. ضوابط کفایت سرمایه به عنوان یک ضربه‌گیر در مقابل زیان‌های وام عمل می‌کند. اما اگر سیاست‌های زیربنایی حسابداری ضعیف باشد به زیادندایی و غلو در خصوص سرمایه منجر می‌شود.^۱ بنابراین رفتارهای حسابداری نامناسب به سودمندی ضوابط سرمایه آسیب می‌رساند و ارزیابی‌های درست، مدیریت صحیح و همچنین کنترل منابع در معرض ریسک یک بانک را مختل می‌سازد. علاوه بر این تفاوت‌های عمده در رفتارهای حسابداری ممکن است موجب تحریف‌های رقابتی گردد.

□۱- موافقت‌نامه کمیته بال بر مبنای رویکرد "دارایی‌های موزون به ریسک اعتباری و ریسک بازار" الزامات حداقل سرمایه برای بانک‌ها را مشخص می‌نماید. در اصل ذخیره خاص مقادیر موزون به ریسک را کاهش می‌دهد و هم ذخیره خاص و هم ذخیره عام زیان وام، سرمایه سطح اول را کاهش می‌دهند. زیرا این ذخایر با منظور شدن در صورت حساب سود و زیان منجر به کاهش حقوق صاحبان سهام می‌گردد. طبق همین موافقت‌نامه ذخایر عام زیان وام به میزانی که حاکی از کاهش کیفیت مشخصی در ارزش دارایی‌های خاص، خواه یک دارایی خاص یا یک گروه از دارایی‌ها، نباشد می‌تواند در سرمایه سطح دوم منظور شود. البته سقف آن تا ۱/۲۵ درصد دارایی‌های موزون شده به ریسک خواهد بود.

۱۷) افشا: استانداردهای صحیح حسابداری دستیابی به یک سطح رضایت بخشی از شفافیت را ضروری می‌دانند. به عبارت دیگر افشا عمومی اطلاعات معتبر و موثقی، که فعالان بازار و دیگر استفاده کنندگان از اطلاعات را قادر سازد تا ارزیابی دقیقی از عملکرد و شرایط مالی یک بانک، فعالیت‌های تجاری‌اش و ریسک‌های مرتبط با فعالیت‌هایش داشته باشند.^۱ افشا اطلاعات معتبر بر پایه اصول صحیح حسابداری و سیستم‌های کنترل داخلی، نظم بازار را تسهیل می‌بخشد و اعتماد به سیستم بانکی را تقویت می‌نماید. در مقابل، افشاهای ناکافی این احتمال را افزایش می‌دهد که اطلاعات گمراه‌کننده می‌تواند باعث عدم ثبات بازار شود. رویه‌های صحیح حسابداری و افشا- به وسیله تسهیل نظم بازار- تلاش‌های نظارتی را برای تشویق بانک‌ها به حفظ کنترل‌های داخلی و رویه‌های مدیریت صحیح ریسک کمک می‌نماید. تجارب نشان می‌دهد که درجه شفافیت با توجه به ریسک اعتباری فعالیت‌های وام‌دهی یک بانک در کشورهای گروه ۱۰ و غیر آن، می‌تواند بهبود و توسعه داده‌شود. برای بهبود شفافیت، ناظران و دیگر خط مشی گذاران می‌بایست در نظر داشته باشند که افشاهای عمومی هزینه بردار است و به طور بالقوه می‌تواند در شرایط خاص ضعف و کاستی‌هایی داشته‌باشد.^۲ به هر حال، مسئله مذکور

□۱- کمیته بال توصیه‌های عمومی درباره افشا بانک‌ها را در مقاله "بهبود و ارتقاء شفافیت بانک" در سپتامبر ۱۹۹۸ منتشر نموده است.

□۲- برای مثال وقتی بازار آگاه می‌شود که یک بانک در یک موقعیت ضعیف قرار گرفته است آن ممکن است شدیدتر از آنچه که مطلوب نظر مراجع ذیصلاح می‌باشد - کسانی که مسئولیت حفظ حقوق سپرده‌گذاران و مدیریت ریسک سیستماتیک را به عهده دارند - به این وضعیت واکنش نشان دهد. با این وجود، ناظران ملزمند این موضوع را به حساب واکنش‌های بازار به دلیل فقدان اطلاعات به موقع و معتبر منظور نمایند.

این قضیه را رد نمی‌کند که افشا، مشوق‌هایی برای بانک‌ها فراهم می‌نماید تا فعالیت‌هایشان را به شیوه‌ای کارا و صحیح انجام دهند.

۱۸) مباحثی در میان تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری بین‌المللی و ملی در خصوص نحوه حسابداری ابزارهای مالی از جمله وام‌ها در جریان است که می‌تواند موجب یکسان‌سازی و بهبود آنها گردد. برای مثال کمیته استانداردهای بین‌المللی حسابداری و چندین تدوین‌کننده استاندارد حسابداری ملی، یک پروژه مشترک بلندمدت را برای شناسایی و اندازه‌گیری مسائلی در خصوص بدهی‌ها و دارایی‌های مالی متقبل شده‌اند.^۱

۱۹) واری و بازنگری موضوعات حسابداری و افشا توسط کمیته بال تا جائیکه احساس شود این بازنگری بر قدرت ناظران برای ارتقا سطح صحت و سلامت بانک‌ها و ثبات سیستم مالی موثر می‌باشد تداوم می‌یابد. کمیته بال در نظر دارد تا با تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری به منظور افزایش سطح بهبود و یکسان‌سازی استانداردهای حسابداری تا جائیکه به بانک‌ها مرتبط باشد، همکاری نماید.

(d) چکیده مقاله

۲۰) ذیل بخش II خلاصه‌ای از بعضی مسائل اساسی در ارتباط با حسابداری و مدیریت ریسک اعتباری ارائه می‌شود. مقاله در بخش III در خصوص رویه‌های

۱- کمیته استانداردهای بین‌المللی حسابداری مقاله‌ای با موضوع "حسابداری دارایی‌های مالی و بدهی‌های مالی" در مارس ۱۹۹۷ منتشر نمود. یک استاندارد اولیه بین‌المللی حسابداری در خصوص شناسایی و اندازه‌گیری ابزارهای مالی (استاندارد ۳۹ بین‌المللی حسابداری، IAS ۳۹) در دسامبر ۱۹۹۸ به وسیله کمیته استانداردهای بین‌المللی حسابداری تصویب و اتخاذ گردید.

صحيح برای اندازه‌گیری وام‌ها، ذخیره‌گیری برای زیان وام و دیگر مسائل حسابداری وام بحث می‌نماید. رویه‌های افشای صحيح در خصوص فعالیت‌های وام‌دهی و ریسک اعتباری در بخش IV این مقاله مورد بحث قرار گرفته است. نقش ناظران در ارزیابی رویه‌ها و سیاست‌های حسابداری وام یک بانک در بخش V مورد توجه قرار گرفته است. مسائل مختلفی از قبیل حسابداری ارزش منصفانه و رویکردهای جدید ذخیره‌گیری در بخش VI مورد ملاحظه قرار گرفته است.

(e) واژگان و اصطلاحات مورد استفاده

(۲۱) سوء تعبیرها و درک‌های نادرستی که در بحث افشا و حسابداری وام در سطح بین‌الملل به وجود می‌آید می‌تواند ناشی از تفاوت‌ها در واژگان میان کشورها باشد. در این مقاله یکسری واژگان منسجم به کار برده شده است.

• وام عبارت است از یک دارایی مالی ناشی از تحویل مبالغ نقدی یا دیگر دارایی‌ها به وسیله یک قرض‌دهنده به یک قرض‌گیرنده در ازای تعهد به بازپرداخت در یک تاریخ یا تاریخ‌های مشخص و یا به محض تقاضا، که معمولاً با بهره (سود) همراه می‌باشد.^۱

وام‌ها متشکلند از:

(a) وام‌های کارت اعتباری (اضافه برداشت)، اعتبار در حساب جاری و

اقساط مشتریان

(b) وام‌های رهنی مسکونی

(c) وام‌های غیرشخصی مانند وام‌های تجاری، تامین مالی پروژه و

وام‌های اختصاص داده شده برای فعالیت‌های تجاری، موسسات مالی،

دولت‌ها و سازمان‌های وابسته به آنها

۱ - این تعریف در واقع تعریف سنتی از وام است که در بانکداری متداول در غرب انجام می‌شود. بانکداری اسلامی تحویل مبلغ نقد به مشتری در موارد کمی اتفاق می‌افتد لذا وام (تسهیلات) در بانکداری اسلامی دارای تعریف دیگری است.

(d) تامین مالی مستقیم اجاره‌ها

(e) دیگر قراردادهای تامین مالی که در اصل و ماهیتاً جزو وام‌ها قلمداد می‌شوند.

- سرمایه‌گذاری‌های ثبت‌شده در خصوص یک وام یا یک گروهی از وام‌ها عبارتست از ارزش اصل یا اسمی وام با در نظر گرفتن پرداخت‌های انجام‌شده‌ای که ارزش اسمی را کاهش می‌دهد و تعدیلاتی که بیانگر بهره‌های متعلقه وصول‌نشده، بخشی از وام که به حساب هزینه منظور شده (حذف)، کسر یا صرف مستهلک‌نشده (به عبارت دیگر تفاوت بین نرخ خرید و ارزش اصل) و هزینه‌های مستهلک‌نشده وام می‌باشد.
- ارزش دفتری یک وام یا یک گروه از وام‌ها به ارزش خالص گزارش‌شده برای یک وام یا گروهی از وام‌ها در ترازنامه قلمداد می‌گردد. به عبارتی دیگر سرمایه‌گذاری ثبت‌شده منهای هر نوع ذخایر عام و خاص^۱.
- آسیب‌دیدگی یک وام بیانگر تنزل کیفیت اعتباری یک وام یا تعداد زیادی از وام‌ها می‌باشد. به طوریکه احتمال می‌رود بانک قادر به وصول آنها نباشد و یا اصلاً تضمینی وجود ندارد که بانک بتواند همه مبالغ قابل پرداخت مطابق با شرایط قرارداد شده را وصول نماید.^۲

۱- در بعضی کشورها، وام‌ها به صورت خالص (وام پس از کسر ذخایر) در طرف دارایی‌های ترازنامه گزارش می‌شوند. اگرچه در بعضی کشورها نیز، سرمایه‌گذاری‌های ثبت‌شده و ذخایر زیان وام‌ها به صورت جداگانه در طرف دارایی‌ها گزارش می‌گردند.

۲- رهنمودهای حسابداری بعضی اوقات بیانگر این است که یکی از دو تست آسیب یا تنزل کیفیت ("ممکن است که بانک قادر به وصول وام نباشد" و "دیگر هیچ تضمین منطقی وجود ندارد که بانک وام را وصول نماید") می‌بایست استفاده شود. برای مثال تست احتمال به وسیله سی و نهمین استاندارد بین‌المللی

- ذخیره‌گیری^۱ برای وام آسیب‌دیده عبارتست از آن مبلغی که سرمایه‌گذاری ثبت‌شده بر روی یک وام یا یک گروه از وام‌ها را تا ارزش دفتری آنها در ترازنامه کاهش دهد.
- ذخیره خاص عبارتست از ذخیره‌گیری در مقابل زبانی که برای یک وام خاص شناسایی شده باشد.^۲

حسابداری (IAS ۳۹) و به وسیله هیات استانداردهای مالی ایالات متحده (FASB) مذکور در استانداردهای ۵ و ۱۱۴ حسابداری صورت‌های مالی تجویز گردیده است در حالیکه "تست تضمین منطقی" در بخش ۳۰۲۵/۰۳ موسسه کانادایی حسابداران خبره (CICA) و رهنمودهای منتشره به وسیله "موسسه بانکی بریتانیا" مورد استفاده قرار می‌گیرد.

یک تاخیر زیاد یا یک کسری عمده در مقدار پرداخت‌ها الزاماً به معنای تداوم آسیب نمی‌باشد البته به شرطی که در طی چنین دوره تاخیری، قرض‌دهنده به طور منطقی انتظار داشته باشد تا همه مبالغ بدهی را وصول نماید.

۱- ذخایر (Allowance) بعضی اوقات به ذخایر (Provision) یا ارزش اندوخته‌ها ارجاع داده می‌شوند. باید این نکته یادآوری شود که بعضی از حسابداران وقتی که به تعدیلات ارزش انباشته دارایی‌های وامی اشاره می‌شود، به صورت نامناسب، از واژگان "اندوخته" (Reserve) و "ذخیره" (Provision) استفاده می‌کنند.

برای مثال کمیته استانداردهای بین‌المللی حسابداری (IASB) ذخیره را به عنوان نوعی بدهی تعریف می‌کند در حالیکه اندوخته را به عنوان بخشی از سرمایه حقوق صاحبان سهام تعریف می‌نماید (ضوابط کمیته استانداردهای بین‌المللی حسابداری در خصوص تهیه و ارائه صورت‌های مالی و شماره ۳۷ استانداردهای بین‌المللی حسابداری در خصوص ذخایر، بدهی‌های احتمالی و دارایی‌های احتمالی).

۲- به عنوان یک راه حل عملی، ذخیره‌گیری خاص برای زیان وام‌هایی با مانده کم و با خصایص مشترک (برای مثال مانده کارت اعتباری) می‌تواند بر اساس فرمولی به صورت کلی و جمعی صورت گیرد به صورتی که جایگزین روش ذخیره‌گیری براساس وام به وام (ذخیره‌گیری برای هر وام به صورت جداگانه) گردد.

- ذخیره عام عبارتست از ذخیره‌گیری در مقابل زیان‌های بالقوه‌ای که اطلاع از وجودشان به دست‌آمده است اما هنوز نمی‌توان به وام‌های خاصی مربوط دانست.^۱
- حذف یا به حساب زیان منظور کردن یک وام، سرمایه‌گذاری ثبت‌شده در خصوص وام و مقدار ذخایر در نظر گرفته شده آن را - اگر ذخیره‌ای قبلاً در نظر گرفته شده باشد - کاهش می‌دهد.^۲ وقتی که همه یا بخشی از یک وام غیرقابل وصول تلقی شود یا اصلاً دورنمای واقعی از بازیافت آن وجود نداشته باشد، حذف یا به حساب زیان منظور می‌گردد.
- یک وام وقتی "وام مسئله‌دار تجدید ساختار شده" می‌باشد که قرض‌دهنده به دلایل مقرراتی یا اقتصادی با توجه به مشکلات مالی قرض‌گیرنده امتیازی به وی اعطا نماید که در شرایطی غیر از آن، این امر صورت نمی‌گیرد.
- نرخ بهره موثر یک وام، نرخ بازده ضمنی یک وام می‌باشد به عبارت

۱- در بعضی کشورها فرایند استفاده شده برای برآورد مقدار زیان‌های بالقوه در پرتفوی وام بر این اساس صورت می‌گیرد که قابلیت وصول بعضی وام‌ها (عموماً) وام‌های با مانده زیادتر) به صورت انفرادی و تک تک و بعضی دیگر وام‌ها (عموماً) وام‌ها با مانده کمتر) بر مبنای کلی و جمعی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲- زمان حذف و یا به حساب زیان منظور کردن دارایی‌ها میان کشورها حسب مقررات مالی و دلایل دیگر، به طور قابل توجهی متفاوت است. در بعضی کشورها به جای ذخیره‌گیری خاص برای یک وام انفرادی، بیشتر حذف آن ملحوظ نظر قرار می‌گیرد (به حساب زیان منظور می‌شود) با این وجود بانک‌ها می‌بایست ثبت‌های انتظامی و آماری وام‌های حذف‌شده‌ای (به حساب زیان منظور شده) که هنوز مبلغ آنها به صورت رسمی در حساب بدهکاران ثبت نگردیده‌است را حفظ نمایند.

دیگر نرخ بهره موردنیاز برای تنزیل جریانات نقدی قراردادی در طی دوره بازپرداخت وام تا میزانی معادل با بهای تمام شده وام می‌باشد. بر همین اساس، نرخ بهره قراردادی عموماً برای هرگونه هزینه‌های معوق خالص وام که از نظر ماهیتی شبیه به بهره می‌باشند (برای مثال بر مبنای زمان یا با توجه به مقدار وام محاسبه می‌شوند) و یا هرگونه کسر و صرفی که در وام ایجاد شده و یا وام خریداری شده موجود باشد، تعدیل می‌گردد.

(II) اصولی برای حسابداری صحیح

(1) هر بانک ضروری است یک سیستم صحیح برای مدیریت ریسک اعتباری تعریف نماید.

(22) رویه‌ها و سیاست‌های کنترلی و مدیریت موثر ریسک اساساً با حسابداری و ارزیابی صحیح و به موقع وام‌ها مرتبط می‌باشد.

(23) برای ارزیابی احتیاطی وام‌ها و تعیین ذخیره مناسب به وسیله بانک‌ها، وجود یک سیستم - که خواه خود بانک‌ها ایجاد کرده باشند و یا به وسیله ناظرین طراحی گردیده باشد - به منظور اینکه یک طبقه‌بندی قابل اطمینان از همه وام‌ها بر مبنای ریسک به عمل آورد بسیار ضروری و با اهمیت است.

یک سیستم طبقه‌بندی بر مبنای ریسک اعتباری مشتمل است بر رده‌بندی وام‌ها که با توجه به درجات گوناگون تنزل کیفیت اعتباری صورت می‌گیرد مانند وام‌های زیر استاندارد، وام‌های مشکوک‌الوصول و وام‌های لاوصول. یک سیستم طبقه‌بندی نوعاً شرایط مالی جاری و توانایی بالقوه پرداخت قرض‌گیرنده، ارزش جاری و واقع‌بینانه وثیقه و دیگر عواملی که بر وصول اصل و فرع وام تاثیر دارد را در نظر می‌گیرد.

۲۴) فرآیندهای ارزیابی و حسابداری می‌بایست به وسیله کنترل‌های موثر داخلی متناسب با اندازه، ماهیت و پیچیدگی فعالیت‌های قرض‌دهی بانک تکمیل گردد. هیات مدیره برای ایجاد و حفظ یک سیستم کنترل موثر داخلی به منظور اطمینان از انجام مواردی که در پی می‌آید مسئولیت نهایی دارد، اینکه می‌بایست مطمئن باشند که فعالیت‌های قرض‌دهی فوراً و بلادرنگ ثبت می‌گردند، مدارک و مستندات وام کامل می‌باشد، رویه‌های داخلی بازنگری و بررسی وام‌ها کارا و موثر است و همچنین یک سیستم اطلاعات مدیریت مناسب موجود می‌باشد. مدیریت ریسک اعتباری مواردی فراتر از رویه‌های مناسب حسابداری را در بر می‌گیرد. کمیته بال اصولی برای مدیریت ریسک اعتباری به صورت بسیار تفصیلی در یک مقاله جداگانه ارائه نموده‌است.^۱

۲) قضاوت‌های مدیریت در رابطه با شناسایی و اندازه‌گیری آسیب‌های وارده به وام‌ها می‌بایست مطابق سیاست‌ها و رویه‌های مستند صورت گیرد، به طوریکه مبانی اصل سازگاری و اصل احتیاط را منعکس سازد.

۲۵) شناسایی و اندازه‌گیری آسیب وارده به وام نمی‌تواند کلاً بر مبنای مقررات خاص صورت گیرد. ارزیابی، شناسایی و اندازه‌گیری واقعی درآمد مستلزم یک ترکیبی از قضاوت‌های مدیریت و مقررات رسمی می‌باشد. قضاوت‌های مدیریت ضروری است اما حیطه اختیار واقعی آنها می‌بایست احتیاطاً محدود گردد و مدارک و مستنداتی می‌بایست وجود داشته‌باشند تا درک رویه‌های اجرا شده و قضاوت‌های صورت‌گرفته به وسیله مدیریت را امکان‌پذیر سازد خصوصاً در موارد الزامی ذیل:

۱- اصول مدیریت ریسک اعتباری که به وسیله کمیته بال در جولای ۱۹۹۹ منتشر شد.

- جائیکه می‌بایست چارچوب تحلیلی مستند و تایید شده برای ارزیابی کیفیت وام وجود داشته باشد به طوریکه دائماً بکار گرفته شوند.
- تخمین و برآوردهایی که می‌بایست بر مبنای مفروضات حمایتی و منطقی صورت گیرد.
- مفروضاتی در رابطه با تاثیرپذیری قرض گیرنده از تغییرات فعالیت عمومی اقتصادی که می‌بایست واقعی و محافظه کارانه باشد.

۲۶) ارزیابی می‌بایست به شیوه‌ای سیستماتیک و مطابق با رویه‌ها و سیاست‌های وضع شده، انجام گیرد.

۳) انتخاب و بکارگیری رویه‌ها و سیاست‌های حسابداری می‌بایست با مفاهیم اساسی حسابداری سازگاری و انطباق داشته باشد.

۲۷) اصول صحیح حسابداری به منظور اینکه به وسیله مفاهیم اساسی حسابداری تحت نفوذ و کنترل قرار گیرد نیازمند انتخاب و بکارگیری رویه‌ها و سیاست‌های حسابداری می‌باشد. این مفاهیم کلی راهنما و ارشادی در ادبیات حسابداری شکل گرفته‌اند و در بیانیه‌های مفاهیم حسابداری، به وسیله تدوین کنندگان اصلی استانداردهای حسابداری منتشر شده‌اند.^۱

۱- برای مثال اولین استاندارد بین‌المللی حسابداری (IASI) در خصوص ارائه صورت‌های مالی (بازنگری شده در سال ۱۹۹۷)، ضوابط کمیته استانداردهای بین‌المللی در مورد تهیه و ارائه صورت‌های مالی، "بخش ۱۰۰۰ نظامنامه موسسه کانادایی حسابداران خبره (CICA) در خصوص مفاهیم صورت‌های مالی"، پیش‌نویس بیانیه هیات استانداردهای حسابداری انگلستان در مورد اصول گزارش‌دهی مالی، استانداردهای شماره ۲ و ۵ مفاهیم حسابداری مالی توسط هیات استانداردهای حسابداری (FASB) و ذخایر قطعی در رهنمودهای حسابداری اتحادیه اروپا.

آنها در گزارش کمیته بال تحت عنوان «بهبود شفافیت بانکی» مورد بحث قرار گرفته‌اند. به طور معمول، این مفاهیم بدون توجه به اینکه اطلاعات حسابداری برای چه هدفی - خواه اهداف صورت‌های مالی، محاسبه الزامات نظارتی، محاسبه توانایی ایفای تعهدات و یا برای تعیین سودهای قابل توزیع - ارائه شده‌اند مورد استفاده قرار می‌گیرند.

علاوه بر این، آنها هم برای حسابداری وام‌ها و هم دیگر موضوعات اقتصادی که به وسیله بانک‌ها صورت می‌گیرد مورد استفاده واقع می‌شوند. بعضی از مفاهیم اساسی حسابداری که در حسابداری وام‌ها می‌بایست مورد استفاده قرار گیرد در ذیل مورد بحث قرار گرفته‌است.

۲۸) گزارش‌های مالی یک بانک می‌بایست یک نگرش منصفانه و حقیقی از وضعیت و عملکرد مالی یک بانک ارائه نماید (نگرش مالی و حقیقی/ارائه منصفانه).^۱ گزارش‌های مالی می‌بایست مشتمل بر افشاهای کافی و به طور منطقی به تفصیل بیان شود. همچنین می‌بایست فارغ از هرگونه تعصبات بی‌مورد صورت گیرد. جائیکه به دلیل عدم انطباق کافی با استانداردهای کاربردی حسابداری، امکان ارائه یک رویکرد حقیقی و منصفانه وجود ندارد افشاهای بیشتری می‌بایست صورت گیرد.

۱- گزارش‌های نظارتی نیز می‌بایست تابع این اصول باشد. به هر حال، با توجه به اینکه گزارش‌های نظارتی نسبت به صورت‌های مالی حسابرسی شده کاملاً به موقع و دارای تکرار بیشتری می‌باشند، ناظران ممکن است به بانک‌ها اجازه دهند تا استفاده بیشتری از تخمین‌ها در تهیه اطلاعات حسابداری این گزارش‌ها به عمل آورند.

۲۹) یک بانک می‌بایست سیاست‌های حسابداری را به شیوه‌ای انتخاب و بکار گیرد که مطمئن شود اطلاعات حسابداری معتبر و قابل اتکا می‌باشند (قابل اطمینان) خصوصاً اطلاعات حسابداری می‌بایست:

- به طور دقیق و صحیح روشنگری نمایند بطوریکه این اطلاعات حاکی از روشنگری باشند یا بطور منطقی انتظار روشنگری از آنها وجود داشته باشد.
- ماهیت و واقعیت رخدادها و تعاملات اقتصادی را منعکس نمایند و نه صرفاً شکل حقوقی آنها را.
- قابل اثبات باشند.
- خنثی باشند برای مثال عاری از هر گونه تعصبات و اشتباهات اساسی باشند.
- محتاط و سنجیده باشند.
- از همه ابعاد کامل باشند.

۳۰) یک بانک می‌بایست یک نگرش واقعی نسبت به فعالیت‌های تجاری‌اش داشته باشد و به اندازه کافی، عدم اطمینان و ریسک‌های ذاتی در فعالیت‌ها را با آماده‌سازی و ارائه اطلاعات حسابداری تحت بررسی داشته باشد (احتیاط).

از نقطه نظر رویکرد صحت و سلامت بانکی، این نکته مهم است که اصول حسابداری که به وسیله یک بانک مورد استفاده قرار می‌گیرد معیارهای احتیاطی و محافظه‌کاری را رعایت نماید.

برای همه هزینه‌ها و زیان‌های احتمالی که می‌توان به طور منطقی و بر پایه اطلاعات در دسترس آنها را برآورد نمود، می‌بایست اندوخته و ذخیره در نظر گرفته شود. برآوردهای انجام شده می‌بایست درجه‌ای منطقی از احتیاط را در برداشته باشند بطوریکه دارایی‌ها، حقوق صاحبان سهام و درآمدها بیش از حد برآورد نشوند و بدهی‌ها و هزینه‌ها کمتر از حد برآورد نگردند. اگر چه قضاوت‌ها می‌بایست هم

محتاطانه و هم محافظه کارانه باشد اما این موضوع، برآوردهای کمتر از واقعی که عمداً در خصوص دارائی‌ها، حقوق صاحبان سهام و درآمدها صورت می‌گیرد و یا آن برآوردهای بیش از واقعی که عمداً در مورد بدهی‌ها یا هزینه‌ها انجام می‌شود را شامل نمی‌شود برای مثال گزارش‌های مکرر مقادیری که انتهای دو سر یک طیف (کمترین یا بیشترین یک طیف) هستند وقتی که این مقادیر بهترین برآوردهای درون طیف را منعکس نمی‌کنند از این قبیل مسائل هستند. ایجاد اندوخته‌های پنهان (افشا نشده) از طریق کمتر از واقع ارزیابی کردن دارایی‌ها یا بیش از واقع نشان دادن بدهی‌ها قابل توجیه نمی‌باشد.

۳۱) گزارش‌های مالی بانک می‌بایست هر قلم مهمی را به صورت جداگانه ارائه و افشا نماید (اهمیت).

اطلاعاتی مهم است که حذف یا بیان غلطش بتواند بر قضاوت یا تصمیمات استفاده‌کننده از این اطلاعات تاثیر بگذارد. مهم بودن به خودی خود، بدون توجه به ماهیت یک قلم (رقم) و شرایطی که در قضاوت ایجاد خواهد کرد عموماً یک مبنای کافی برای قضاوت در خصوص اهمیت نخواهد بود.

۳۲) یک بانک می‌بایست از یک دوره تا دوره‌ای دیگر از رویه‌ها و سیاست‌های حسابداری یکسان و همچنین از رویه‌ها و مفاهیم اندازه‌گیری با ثباتی برای اقلام مرتبط استفاده نماید (ثبات رویه)

تغییرات بجز مواردی که به طور مناسب و منطقی توجیه پذیر باشد نبایستی صورت پذیرد برای مثال به دلیل بازنگری که در استانداردهای حسابداری به وسیله یک تدوین‌کننده ماهر و کارا صورت می‌گیرد. الزام ثبات رویه از تجدید طبقه‌بندی اقلام، مثلاً به دلیل تغییری در استفاده آنها، جلوگیری به عمل نمی‌آورد.

۳۳) یک بانک می‌بایست رویدادها و فعالیت‌های مالی را وقتی که رخ می‌دهند شناسایی نماید و نه اینکه شناسایی آن منوط به دریافت و یا پرداخت به صورت نقدی و یا معادل آن باشد و همچنین این رویدادها و فعالیت‌های مالی می‌بایست در دوره‌ای که به آن متعلق می‌باشند ثبت و گزارش شوند (رویه حسابداری تعهدی). هزینه‌ها می‌بایست در دوره‌ای که به وقوع می‌پیوندند شناسایی شوند و درآمدها در زمانیکه تحصیل می‌شوند برای مثال حق الزحمه و کارمزد دریافت شده به وسیله یک بانک در خصوص ارائه یک وام، عموماً نمی‌بایست در دوره‌ای که این فعالیت صورت می‌گیرد به حساب درآمد گذاشته شود بلکه در عوض، اگر آنها در اصل بخش لاینفک درآمد بهره یک وام محسوب می‌شوند، می‌بایست در طی دوره‌های عمر وام منتقل و تخصیص داده شوند. هزینه‌ها می‌بایست با درآمدهای مربوط به خود تطابق داده شوند به طوریکه خالص درآمد به وسیله تفاوت بین درآمدها از هزینه‌های مربوطه در طی همان دوره اندازه‌گیری شود.

۳۴) نهایتاً یک بانک می‌بایست سیاست‌های حسابداری را به شیوه‌ای انتخاب و بکار گیرد که جامعیت، مربوط بودن و به موقع بودن اطلاعات حسابداری را بهبود ببخشد.

(III) حسابداری وام‌ها

۳۵) بخش قبلی به اصول عمومی اشاره داشت که در مدیریت ریسک اعتباری و حسابداری وام‌ها مهم تلقی می‌شوند.

این بخش اصول صحیحی با ماهیتی خیلی خاص را تشریح می‌کند.

(a) شناسایی، عدم شناسایی و اندازه‌گیری

۴) هر بانک می‌بایست یک وام را صرفاً زمانی در ترازنامه‌اش شناسایی کند - خواه خود وام

را ایجاد کرده باشد و خواه آن را خریداری کرده باشد - که طرف حساب مفاد قیدشده در قرارداد وام باشد.

۳۶) وقتی یک بانک طرف قرارداد وام محسوب می شود و حق دریافت اصل و بهره آن را بدست می آورد که کنترل منافع اقتصادی مرتبط با وام در دست آن باشد. معمولاً بانک، زمان پیش پرداخت وجه به یک شخص ثالث، طرف قرارداد تلقی می گردد (برای مثال کسب مالکیت قانونی وام). در نتیجه تعهد به پرداخت وام، یک دارایی بالای خط تلقی نمی گردد.^۱ در بعضی کشورها کسب مالکیت قانونی، بیشتر به عنوان یک فرآیند تلقی می شود تا به عنوان یک رویداد گسسته. به هر حال پیش پرداخت نوعاً یکی از مهمترین عوامل تشکیل دهنده مالکیت قلمداد می گردد.

۵) هر بانک صرفاً هنگامی می بایست یک وام (یا بخشی از یک وام) را از ترازنامه اش حذف نماید که کنترل حقوق قراردادی نسبت به وام مزبور (بخشی از وام) را از دست بدهد. بانکی که چنین کنترلی را از دست می دهد اگر حقوقی نسبت به منافع معین شده در قرارداد شناسایی کرده باشد آن حقوق منقضی می گردد یا بانک از آن حقوق صرف نظر می نماید.

۳۷) وقتی که توانایی کسب منافع آتی اقتصادی مرتبط با یک وام و توانایی محدود کردن دسترسی دیگران به این منافع، به دیگران منتقل شده باشد از

۱- به هر حال، یک تعهد یا ضمانت الزام آور می تواند ریسک اعتباری را موجب گردد که ممکن است نیازمند آن باشد تا مبلغی به عنوان بدهی گزارش شود در بعضی کشورها کل مبلغ ضمانت در بالای خط ترازنامه شناسایی می گردد.

کنترل وام صرف نظر گردیده است.^۱

اگر از نظر اقتصادی یا سایر شرایط، وضعیت به گونه‌ای باشد که بانک یا منتقل‌الیه (دریافت کننده) را به لغو انتقال وادار نماید و اساساً اوضاع را به حالت قبل برگرداند، از کنترل صرف نظر نمی‌گردد. معیناً اگر بانک ذی حق باشد و به خرید یا بازخرید وام‌های منتقل شده به یک قیمت ثابت یا معین متعهد گردد— به طوری که برای منتقل‌الیه به طور موثر یک نرخ بازدهی برابر با بهره وجوهی که وی به بانک ارائه نموده است فراهم آورد— از کنترل صرف نظر نمی‌شود. حفظ حقوق سرویس دهی بانک به عنوان یک فاکتور در تعیین صرف نظر یا عدم صرف نظر از کنترل وام‌ها، ملحوظ نظر قرار نمی‌گیرد.

۶) هر بانک می‌بایست اساساً یک وام را بر حسب بهای تمام شده اندازه‌گیری نماید.

۳۸) برای وام‌هایی که به وسیله بانک ایجاد می‌شود بهای تمام شده وام عبارت است از مقدار وام داده شده به وام‌گیرنده با منظور کردن هزینه‌های معوق خالص وام که از نظر ماهیتی شبیه بهره می‌باشند (برای مثال بر مبنای زمان یا با توجه به مقدار وام محاسبه می‌گردد).^۲ وقتی که یک وام از یک شخص ثالث خریداری

۱- علیرغم از دست دادن کنترل حقوق قراردادی وام، بانکی که به عنوان ضامن عمل می‌کند یا به نحوی دیگر ریسک‌های مرتبط با وام را حفظ می‌نماید این تعهدات می‌بایست به عنوان یک بدهی شناسایی شود یا به عنوان یک بدهی احتمالی افشا گردد. به هر حال این مساله خارج از حوصله این مقاله می‌باشد.

۲- به هر حال اگر وام به جای آنکه به صورت نقدی اعطا شود به شکل‌های دیگر دارایی به استقراض کننده منتقل شود بهای تمام شده وام عبارتست از ارزش منصفانه اینگونه دارایی‌ها در زمان اعطای وام.

می‌شود، بهای تمام‌شده عموماً عبارتست از ارزش منصفانه ما به ازاء داده‌شده برای کسب وام در زمان خرید آن.^۱

(b) شناسایی و اندازه‌گیری آسیب

۳۹) قبل از بحث درباره رویه‌های صحیح شناسایی و اندازه‌گیری آسیب وام لازم است این نکته یادآوری شود که از حیث برخی ابعاد اساسی، ذخیره‌گیری در میان کشورها متفاوت می‌باشد.

۴۰) در بعضی کشورها، در خصوص رویه تعیین اندازه مناسب کل ذخیره وام، ملاحظات قابل توجهی وجود دارد. سوال اساسی این است که آیا سطح ذخیره وام برای پوشش زیان‌های مرتبط با کل پرتفوی وام کافی می‌باشد یا خیر. در اینگونه کشورها همه یا حجم زیادی از ذخایر یک بانک، ذخیره‌های عمومی هستند و زیان‌های شناسایی شده در مرحله اولیه به حساب هزینه منظور می‌شوند.

۴۱) در کشورهای دیگر، توجه عمده بر روی رویه بدست آوردن ارزش خالص دفتر یکایک وام‌ها است که سؤال اساسی در این رابطه این است که آیا ذخایر خاص برای پوشش همه زیان‌های موردانتظار و محرز شده، ذاتی در این وام‌ها،

۱- ارزش منصفانه عبارتست از آن مبلغی که یک دارایی بر اساس آن مبادله و معامله می‌شود و یا یک بدهی تسویه می‌گردد که این امر بین اشخاص به صورت دلخواهانه و با اطلاع و آگاهی و در یک معامله واقعی و غیرساختگی صورت می‌پذیرد. یک معامله واقعی و غیرساختگی عبارتست از یک معامله‌ای که بین اشخاص غیروابسته صورت می‌گیرد که در آن هر یک از طرفین تلاش می‌کنند تا بیشترین منفعت را عاید خود سازند.

برحسب قلم به قلم کافی می‌باشد یا خیر. در این کشورها زیان‌های شناسایی شده‌ای که هنوز قطعی نشده‌اند اغلب از طریق ذخایر خاص مورد شناسایی قرار می‌گیرند برعکس کشورهای دسته اول که اینگونه زیان‌ها را به حساب هزینه منظور می‌نمایند.^۱ به عنوان دومین مرحله، بانک‌ها در بعضی از کشورهای دسته دوم به منظور پوشش زیان‌های بالقوه‌ای که هنوز شناسایی نشده‌اند اما از وجودشان اطلاعی کسب گردیده باشد، ذخیره عمومی تکمیلی در نظر گرفته می‌شود.

۴۲) علیرغم این تفاوت‌ها، می‌توان رویه‌های صحیح برای ذخیره‌گیری به صورتیکه در ذیل ارائه گردیده‌است تهیه و تنظیم نمود. این رهنمود تاکید می‌کند که سه موضوع اساسی اثرگذار بر حسابداری وام‌ها که می‌بایست مدنظر بازرسان باشد عبارتند از (a) کفایت فرآیندهای یک موسسه برای تعیین ذخایر (b) کفایت کل ذخایر (C) شناسایی به موقع زیان‌های شناخته‌شده از طریق ذخایر خاص و یا منظور کردن آنها به حساب هزینه.^۲

۷) وقتی که این احتمال وجود دارد که بانک قادر نخواهد بود، یا دیگر اصلاً تضمینی وجود نداشته باشد که کل مبلغ وام‌ها را مطابق شرایط قرارداد وصول نماید بانک می‌بایست آسیب‌های وارده به یک وام یا یک گروه از وام‌های ارزیابی شده را شناسایی نماید. آسیب وارده می‌بایست به وسیله کاهش مبلغ اسمی وام (وام‌ها) از طریق ذخیره یا حذف (به

۱- می‌بایست یادآوری گردد که در کشورهای بخش دوم نیز وام‌ها نهایتاً به حساب هزینه‌ها منظور می‌شوند (حذف می‌شوند).

۲- همانطور که قبلاً یادآوری گردید چهارمین موضوع اساسی برای ناظران، دقیق بودن و به موقع بودن افشاهای ریسک اعتباری می‌باشد.

حساب زیان منظور کردن) و لحاظ کردن آن در صورت حساب سود و زیان در دوره‌ای که آسیب رخ می‌دهد، شناسایی گردد.

۴۳) برای اطمینان از اینکه آسیب وارده به وام به موقع شناسایی گردد می‌بایست تنزل کیفیت اعتباری وام‌ها به صورت منظم بررسی و بازنگری گردد خصوصاً در تهیه گزارشات مالی طی دوره و سالیانه توجه شود که همه اطلاعات از جمله وضعیت اقتصادی و دیگر شرایط در تاریخ گزارش‌دهی لحاظ گردد. وقتی که اطلاعات مهمی در دسترس است که نشان می‌دهد زوال و تنزل عمده‌ای در کیفیت اعتباری بخش قابل توجهی از پرتفوی وام رخ داده‌است، برای شناسایی آسیب وارده می‌بایست بین تاریخ‌های گزارش‌دهی، وام‌ها مورد بررسی و بازنگری قرار گیرد.

۴۴) ارزیابی هر وام یا گروهی از وام‌های مربوطه می‌بایست بر مبنای ارزش اعتباری قرض‌گیرنده خاص و ارزش اعتباری گروهی که قرض‌گیرنده به آن متعلق می‌باشد صورت گیرد. ارزیابی آسیب وارده، بیشتر بر توانایی قرض‌گیرنده برای بازپرداخت همه مقادیر بدهی مطابق با شرایط قید شده در قرارداد متمرکز می‌باشد. ارزیابی می‌بایست همه عوامل مرتبطی را که در تاریخ ارزیابی بر قابلیت وصول اصل و فرع وام اثرگذار می‌باشند را منعکس نماید. عوامل مرتبط در ارزیابی توانایی بانک به منظور وصول اصل و فرع عبارتند از:

سوابق پرداختی‌های قرض‌گیرنده، شرایط کلی مالی و دارایی‌های قرض‌گیرنده، توانایی پرداخت اصل و فرع وام، عملکرد مالی قرض‌گیرنده، دارایی ویژه و دورنمای آتی قرض‌گیرنده، دورنمای حمایت مالی ضامنین، ماهیت و درجه حمایت‌های ایجادشده از طریق جریانات نقدی جاری و محقق‌شده و همچنین ارزش وثیقه‌های اساسی و ریسک کشوری.

به طور معمول ، توجه صرف به یک عامل مثلاً ارزش وثیقه، کافی نمی‌باشد. بنابراین وقتی که دیگر منابع بازپرداخت در طی زمان کافی نباشند اهمیت ارزش وثیقه در تجزیه و تحلیل‌ها افزایش می‌یابد.

۴۵) مدیریت می‌بایست برنامه‌ای را تدارک ببیند که وثیقه‌ها به صورت دوره‌ای نظارت و تجزیه و تحلیل گردند البته می‌بایست این مسئله رعایت گردد که بر پایه احتیاطی ارزش‌گذاری گردند. به طور مثال برای وام‌های اعطا شده در زمینه املاک و مستغلات مهم تجاری، بانک‌ها می‌بایست تخمین‌های درستی از ارزش منصفانه جاری وثیقه‌ها با استفاده از اشخاص حرفه‌ای واجد شرایط داخل یا خارج از بانک بدست آورند. مدیریت می‌بایست هرگونه برداشت و فرضیه‌های تخمینی را برای اطمینان از منطقی بودن و به موقع بودن بازنگری نماید. نوعاً فرض‌های تخمینی بر بازده جاری وثیقه‌ها یا دارایی‌های مشابه پایه‌گذاری شده‌است. بسیاری از ناظران انتظار دارند که در ارزیابی‌ها، قابلیت درآمدزایی املاک و مستغلات در طی زمان بر مبنای تخمین‌های منطقی و حمایتی و با استفاده از تنزیل ، مورد لحاظ قرار گیرند. نقاط ضعف در سیستم‌های قانونی و دیگر موانعی که در تضمین حقوق وثیقه‌ها ، ضبط اموال رهنی و حق تصرف آن مشکل ایجاد می‌کند می‌بایست در نظر گرفته شوند.

۴۶) حتی وقتی که شرایطی باعث می‌شود تا نسبت به توانایی قرض‌گیرنده در بازپرداخت همه وجوه بدهی مطابق شرایط قیدشده در قرارداد عدم اطمینان به وجود آید این قبیل مسائل می‌بایست در شناسایی آسیب ملحوظ نظر قرار گیرد. مدیریت می‌بایست هم از اطلاعات داخلی و هم خارجی استفاده نماید. شواهد آسیب‌های وارده عبارتند از:

- اطلاعاتی درباره مشکلات مهم مالی قرض گیرنده (برای مثال استناد کردن به نقدینگی و جریان نقدی پروژه‌ها)
- نقض واقعی قرارداد (تاخیر قرض گیرنده در پرداخت اصل و فرع وام)
- احتمال زیاد ورشکستگی قرض گیرنده یا دیگر مواردی از تجدید ساختار مالی آن (مثلاً به استناد کاهش رتبه اعتباری که به وسیله یک آژانس رتبه‌بندی اعتباری اعلام می‌شود)
- اعطای امتیازاتی از جانب قرض دهنده به قرض گیرنده به دلایلی مانند مشکلات مالی قرض گیرنده که اعطای اینگونه امتیازات در شرایطی غیر از این صورت نمی‌گرفت.

(۴۷) یکی از عواملی که عموماً بیانگر زوال و تنزل کیفیت اعتباری وام می‌باشد این است که قرض گیرنده در پرداخت اصل و فرع وام در هنگام سررسید نکول کرده‌باشد. به عنوان نقطه شروع ، وام‌ها عموماً وقتی به عنوان آسیب‌دیده می‌بایست شناسایی گردند که طبق قرار داد یک تعداد حداقل روزها - که منعکس کننده رویه‌های داخلی پرداخت برای نوع وام مورد بحث باشد (مثلاً ۶۰ روزه) - نکول گردیده‌باشند.

- به عنوان یک استثنا، وام‌ها هنگامی به عنوان آسیب‌دیده شناسایی نمی‌شوند که کاملاً تضمین شده باشند و تضمین منطقی وجود داشته باشد که تلاش برای وصول به یک شیوه به موقع منجر به بازپرداخت اصل و فرع وام گردد (میزان خسارات وارده برای پرداخت‌های نکول شده را نیز در بر می‌گیرد).^۱ به طور واضح نکول در پرداخت‌های عمده صرفاً یکی از فاکتورهای مهم

۱- به طور معمول استفاده از این استثنا نیازمند این است که وثیقه‌ها به آسانی قابل فروش باشند علاوه

براین همانطور که قبلاً اشاره گردید وثیقه‌ها می‌بایست به صورت دوره‌ای تجدید ارزیابی گردند.

برای شناسایی آسیب می‌باشد وام‌هایی که دارای دیرکرد جدی نمی‌باشند یا اساساً به هیچ وجه دیرکردی ندارند و همچنین اضافه برداشتی‌ها (از حساب جاری)، نیازمند آن است که از نظر زوال کیفیت اعتباری مورد بررسی و بازنگری قرار گیرند.^۱ مورد خاص جایی است که یک قرض‌گیرنده درباره پرداخت‌های اصل یا فرع وام تاخیر داشته‌باشد و بانک به وی مساعدت نماید که قادر شود به تعهدت پرداختی جاری‌اش عمل نماید. در چنین شرایطی توانایی جاری قرض‌گیرنده برای پرداخت، الزاماً این مسئله را توجیه نمی‌کند که وام مزبور به عنوان آسیب‌دیده تلقی نشود.

به هر حال اگر تضمین منطقی وجود داشته‌باشد که قرض‌گیرنده قادر باشد تا اصل و فرع وام را مطابق شرایط قیدشده در قرارداد به صورت کامل بازپرداخت نماید (وجوه جبران خسارت برای ایفای تعهدات جاری قرض‌گیرنده را نیز شامل می‌شود) یا اینکه وام به طور کامل تضمین شده باشد و تلاش برای وصول آن منجر به نتیجه مطلوب گردد نیازی نیست که به عنوان آسیب‌دیده طبقه‌بندی شود.

۴۸) همانطور که در فوق اشاره گردید نشانه‌ها و شواهد آسیب در بردارنده تجدید ساختار در وام مساله‌دار می‌باشد برای مثال قرض‌دهنده به دلیل شرایط و مشکلات مالی قرض‌گیرنده به وی امتیازاتی را اعطا می‌نماید. امتیازات اعطاشده در تجدید ساختار وام مساله‌دار در بر دارنده موارد ذیل می‌باشد (البته ضرورتاً به موارد ذیل محدود نمی‌گردد):

۱- برای مثال وامی که عمده بازپرداخت آن فقط در تاریخ سررسید صورت می‌گیرد ممکن است پیش از سررسید آسیب ببیند. در صورتی که شرایط مالی قرض‌گیرنده به طور چشمگیری دچار افت و تنزل گردیده باشد کل بازپرداخت مورد انتظار نمی‌باشد.

- تغییر و تعدیل شرایط. برای مثال کاهش در بهره (فرع وام) نسبت به آنچه که در اصل توافق شده بود یا کاهش در میزان اصل وام. بنابراین یک وام تمدید یا تجدیدشده به نرخ بهره‌ای معادل با نرخ بهره جاری برای بدهی‌های جدید با ریسک مشابه، یک وام مساله‌دار تجدید ساختار شده نمی‌باشد.
- انتقال املاک و مستغلات، مطالبات از اشخاص ثالث، سهام و دیگر دارایی‌های قرض‌گیرنده، به بانک به صورت کامل یا جزئی در عوض جبران وام.

۴۹) تجدید ساختار ممکن است مسئله جانشینی یک بدهکار جدید به جای قرض‌گیرنده اولیه یا اضافه‌شدن یک بدهکار جدید را در برداشته‌باشد.

۵۰) به طور اجتناب‌ناپذیر، مدیریت بانک اختیار این را دارد که با اطمینان منطقی تعیین کند که وصول مقادیر قراردادی، زمان زیادی را در بر نخواهد داشت و یا وصول آنها امکان‌پذیر نمی‌باشد. به هر حال این اختیارات می‌بایست بر مبنای یک ارزیابی اعتباری درست و به موقع صورت گیرد و می‌بایست مطابق با ملاحظات و مطالب بحث‌شده در بخش II اعمال گردد و بر افشاهای مطرح‌شده در بخش IV مشروط باشد.

۸) هر بانک می‌بایست یک وام آسیب‌دیده را بر حسب مبلغ قابل بازیافت تخمینی آن اندازه‌گیری نماید.

۵۱) در اندازه‌گیری وام‌ها می‌بایست هر نوع آسیب و نقصانی به وسیله مقدار قابل بازیافت تخمینی آنها، در ذیل سرمایه‌گذاری ثبت‌شده منعکس گردد. وام‌هایی که دارای مانده زیادتری هستند و در صورت امکان دیگر وام‌ها نیز، می‌بایست به صورت انفرادی مورد ارزیابی و بررسی قرار گیرند. کاهش کیفیت اعتباری در تک تک وام‌های شناخته‌شده می‌بایست تا آن جائیکه ممکن است به موقع از

طریق ذخیره‌گیری خاص و یا از طریق منظور کردن در حساب هزینه‌ها (حذف کردن) شناسایی گردد.^۱ مبلغ اسمی یک وام خاص که به عنوان آسیب‌دیده شناسایی شده است می‌بایست تا میزان قابل بازیافت تخمینی آن، کاهش داده‌شود. برای تعیین این مقدار می‌بایست همه اطلاعات مرتبط مانند وضعیت اقتصادی و توانایی ایفای تعهدات قرض‌کننده، قابلیت اجرایی ضمانت‌نامه‌های شخصی و توانایی ضامنین برای ادا کردن آن، ارزش جاری وثیقه‌ها و رتبه‌بندی آژانس‌های رتبه‌بندی در نظر گرفته‌شود.

در ارزیابی از ابزارهای حمایتی و پوششی ارائه‌شده، نظیر ضمانت‌نامه‌ها، وثیقه‌ها و دیگر منابع ثانویه بازپرداخت، می‌بایست زمان، هزینه و مشکلات درگیر برای بازپرداخت از طریق چنین منابعی در نظر گرفته شوند. در بسیاری از کشورها وصول از طریق وثیقه‌ها و ضمانت‌نامه‌ها مسئله‌ساز و دردسرساز می‌باشد.

۵۲) شیوه‌های قابل قبول برای محاسبه مقدار قابل بازیافت تخمینی از یک وام انفرادی آسیب‌دیده عبارتند از:

- ارزش فعلی جریان نقدی آتی مورد انتظار که براساس یک نرخ بهره مناسب تنزیل می‌شوند. به عبارت دیگر نرخ بهره موثر در قرارداد اولیه وام.^۲

۱- همانطوری که در این مقاله مورد بحث قرار گرفت رویه کشورها در خصوص زمان به حساب هزینه منظور کردن وام‌های معوق (حذف)، متفاوت است. از نقطه نظر نظارتی، اینکه آسیب از طریق ایجاد ذخایر خاص یا از طریق منظور کردن در حساب هزینه (حذف) به موقع شناسایی گردد مهم می‌باشد.

۲- به عبارت دیگر اگر بهره موثر در قرارداد اولیه وام ۱۰ درصد نرخ بهره ثابت (با فرض هیچگونه هزینه‌های خالص تعویقی) باشد و نرخ بهره به دلایل مشکلات مالی قرض‌گیرنده تا ۵ درصد نرخ بهره ثابت کاهش داده‌شود جریان نقدی آتی مورد انتظار این وام مساله‌دار تجدید ساختار شده، برای اهداف اندازه‌گیری آسیب به نرخ ۵ درصد تنزیل می‌گردد. این مقاله تنزیل به نرخ بهره جاری بازار را به دلیل آنکه با رویکرد بهای مستهلک شده مطابقت ندارد، پیشنهاد نمی‌کند. جائیکه ارزش زمانی پول مهم می‌باشد تنزیل مناسب است. بنابراین ضروری نیست تا جریان نقدی دریافتی‌های کوتاه‌مدت تنزیل گردد.

برآوردها از جریانات نقدی آتی می‌بایست بهترین برآوردی باشد که بانک

براساس مفروضات و تخمین‌های منطقی و قابل اتکا صورت می‌دهد.^۱

• ارزش منصفانه وثیقه^۲ تا آن میزانی که وام به وثیقه وابسته می‌باشد. اگر انتظار

آن باشد که وامی فقط و منحصر^۳ از طریق وثیقه بازپرداخت شود آن وام، وام

"وابسته به وثیقه" می‌باشد.

• ارزش عینی بازار، اگر آن یک شاخص قابل اتکا برای مقدار بازیافت تخمینی وام

باشد.

۵۳) هر بانک برای اندازه‌گیری مبلغ قابل بازیافت تخمینی یک وام مسئله‌دار تجدید

ساختار شده، می‌بایست هزینه همه امتیازهای اعطا شده در تاریخ تجدید ساختار را

در نظر بگیرد.

در هنگام تجدید ساختار ممکن است در عوض بخشی از وام، اموالی دریافت گردد.

در یک چنین مواردی، سرمایه‌گذاری ثبت‌شده در مورد وام، به مقدار ارزش منصفانه

اموال دریافت‌شده منهای هزینه فروش، کاهش داده می‌شود.

۵۴) برای گروه‌های وامی متجانس با مبالغ کم، مثلاً پرتفوی وام‌های مشتریان، اغلب

عملی نیست تا ارزش اعتباری هر یک از استقراض کنندگان انفرادی بر یک پایه

□۱- این مساله بدان معنا نیست که از دیگر روش‌های عملی که برای برآورد میزان آسیب‌وارده به گروه‌های

وامی کاربرد دارد ولی به دلیل اینکه تعیین آسیب وارده به وام‌ها بر مبنای انفرادی با آنها ممکن نمی‌باشد، از

استفاده آنها جلوگیری به عمل آید. رویکرد فرمولی درخصوص گروه‌های وامی به طور واضح ممکن نیست

که جریانات نقدی آتی موردانتظار را تنزیل نماید، آن می‌بایست منتج به اندازه‌گیری آسیب‌های وارده گردد

که به طور ضمنی جریانات نقدی آتی مورد انتظار را تنزیل نماید.

□۲- بانک می‌بایست هر نوع هزینه عمده تخمینی برای فروش وثیقه‌ها را در نظر داشته باشد.

معمول و منظم مورد بررسی قرار گیرند. در چنین مواردی میزان آسیب و ذخیره‌گیری یا حذف (به حساب هزینه منظور کردن) آنها می‌بایست بر پایه یک پرتفوی تعیین شود. به طوریکه با بکارگیری فرمولی عواملی مانند تجزیه و تحلیل بدهی‌های معوق، انواع مانده وام‌ها از نظر سررسید، تجارب زیان‌های گذشته، شرایط فعلی اقتصادی و دیگر شرایط مرتبط در آن لحاظ شده‌باشد.

۵۵) وقتی از وقوع زیان‌های بالقوه اطلاعی کسب گردد، اما هنوز نتوان آنها را به وام‌ها به صورت انفرادی نسبت داد، ذخیره‌گیری عمومی می‌بایست صورت گیرد. ذخایر عمومی در مقابل آسیب‌های یک گروه یا مجموعه‌ای از وام‌ها تعیین می‌شوند که دارای ویژگی‌های قابل شناسایی مشترک می‌باشند. در بعضی کشورها ذخایر عام در مقابل پرتفوی از وام‌ها، بر مبنای تحلیل‌هایی از اجزای متفاوت پرتفوی صورت می‌گیرد که این تحلیل‌ها شامل یک بررسی از همه وام‌های عمده به صورت انفرادی می‌باشد. ذخایر عام جایگزین ذخیره‌گیری‌های مکفی خاص یا حساب‌های حذف‌شده (به حساب هزینه منظور کردن) نخواهد شد.

۵۶) اغلب ذخیره عام به عنوان مرحله موقتی در نظر گرفته می‌شود تا زمانی که زیان‌های وارده به هر وام به صورت انفرادی مشخص گردد.

برای بانک شناسایی وقوع زیان وارده به وام به صورت انفرادی، بلادرنگ و به سرعت امکان‌پذیر نمی‌باشد.

به هر حال اثر اینگونه حوادث (زیان‌ها) می‌بایست به طور معمول در یک چارچوب زمانی منطقی از طریق کاهش ارزش وام با دریافت صورت‌های مالی جدید یا دیگر اطلاعاتی که طبقه‌بندی وام مزبور را در بر دارد معلوم و مشخص گردد.

به مجرد اینکه اطلاعات کافی در دسترس قرار گیرد تا زیان‌های وارده به وام‌ها به صورت انفرادی شناسایی گردند، ذخایر خاص جایگزین ذخایر عام می‌گردند (و یا به حساب هزینه منظور می‌گردند).

۵۷) تجارب گذشته، شرایط فعلی اقتصادی و دیگر مسائل مربوطه شامل تغییراتی در عواملی مانند سیاست‌های قرض‌دهی (اعطای تسهیلات)، ماهیت و حجم پرتفوی، حجم و شدت وام‌های آسیب‌دیده‌ای که اخیراً شناسایی شده‌اند و تمرکزهای اعتباری می‌بایست در تعیین ذخیره عام ملحوظ نظر قرار گیرند.

۵۸) ذخیره عام می‌بایست با استفاده از یک یا چند مدل‌لوزی متفاوت به شرح ذیل تعیین گردد:

- بکارگیری فرمولی که تجزیه و تحلیل دیون معوق، عمر و طول دوره مانده وام‌ها، تجارب زیان‌های گذشته، شرایط فعلی اقتصادی و دیگر شرایط مرتبط را لحاظ نماید.
- تجزیه و تحلیل‌های جابجایی و تغییرات.^۱
- مدل‌لوزی‌های متنوع آماری^۲

۱- تجزیه و تحلیل جابه‌جایی و تغییر، یک ابزار آماری است که تغییرات در طبقه‌بندی وام‌ها را بر حسب نرخ‌های زیان هر طبقه نشان می‌دهد. نوعاً، نرخ زیان‌های تاریخی برای پیش‌بینی زیان‌های موردانتظار در هر طبقه از وام‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. به منظور انعکاس تغییرات به عمل آمده در محیط اقتصادی و تجربه روندهای اخیر در زیان‌های وارده به وام‌ها، ممکن است تعدیلات و اصلاحاتی مورد نیاز باشد. تجزیه و تحلیل‌های تغییر و جابه‌جایی علاوه بر استفاده برای طبقه‌بندی وام‌ها می‌تواند به عنوان عاملی برای توزیع جغرافیایی و دیگر توزیع‌های وام باشد مثلاً برای چه مواردی وام‌ها اعطا گردیده‌اند.

۲- مدل‌لوزی‌های آماری، تجزیه و تحلیل‌های گروه‌های همگن و نسبت‌ها را نیز در بر می‌گیرد. به هر حال در تعیین ذخیره عام، بانک نمی‌بایست صرفاً بر مقایسات گروه همگن و یا تجزیه و تحلیل نسبت‌های خاص متکی باشد. تجزیه و تحلیل نسبت‌ها در بخش III بحث گردیده‌است.

• برآورد و تخمین آسیب (در گروه) بر حسب قضاوت بانک از تاثیر تغییرات و رویدادهای اخیر در وضعیت اقتصادی که حاکی از وجود آسیب می‌باشد.

۵۹) بانک می‌بایست مفروضات استفاده شده را در برابر تجارب واقعی (زیان‌های رخ داده) در فواصل منظم و برحسب ضرورت در کل دوره گزارش‌دهی مورد بازنگری قرار دهد.

۶۰) متدولوژی‌های آماری در همه موارد مناسب نمی‌باشند. به عبارت دیگر آنها برای بانک‌هایی که قابلیت استفاده از این رویکردها را ندارند مناسب نمی‌باشند. علاوه بر این، کفایت، دقت و روایی متدولوژی‌های آماری نیاز است که به طور مناسب محقق گردد.

۶۱) ذخایر می‌بایست محتاطانه و محافظه‌کارانه - اما نه به صورت مفرط - محاسبه گردند به طوری که آنها - در یک طیف قابل قبول از تخمین زیان‌ها - عدم دقتی که در ذات تخمین زیان‌های اعتباری وجود دارد را پوشش دهند. تخمین و برآوردهای ذخایر می‌بایست به خوبی مستند گردند و به طور مناسب حمایت شوند.

۶۲) یک وام آسیب‌دیده فقط زمانی می‌بایست به موقعیت آسیب‌ندیده اعاده گردد که مقدار اصل و فرع وام مطابق با شرایط قید شده در قرارداد به طور کامل قابل وصول باشد به عنوان یک اصل عمومی این امر هنگامی رخ می‌دهد که:

الف - بانک بازپرداخت اصل و فرع وام‌های سررسید گذشته را دریافت کرده باشد، هیچ یک از اصل و فرع وام‌ها نباید به صورتی باشد که سررسید گردیده و پرداخت نشده باشند و بانک بازپرداخت اصل و فرع باقی‌مانده وام‌ها را مطابق جدول زمان‌بندی شده در قرارداد انتظار داشته باشد.

ب- قرض‌گیرنده پرداخت کل مبلغ اصل و فرع وام را مطابق جدول زمان‌بندی

شده برای یک دوره منطقی^۱ از سر گرفته باشد و همه مبالغ باقی مانده قرارداد (شامل کل مبالغ جبران خسارات برای پرداختی های سررسید گذشته) فرض می شود که به موقع قابل بازپرداخت باشد.

ج- در غیر این صورت وام به خوبی تضمین شده باشد و در جریان وصول باشد.

۶۳) تعیین قابلیت وصول نهایی یک وام به وسیله یک بانک که با هدف اعاده و بازگرداندن وضعیت وام از حالت آسیب دیده به آسیب ندیده صورت می گیرد می بایست با تکیه بر ارزیابی اعتباری از شرایط مالی قرض گیرنده (با استفاده از مستندات قابل اثبات) و سایر عوامل موثر بر دورنمای بازپرداخت از جمله عملکرد بازپرداخت قرض گیرنده صورت گیرد.

(C) کفایت کل ذخایر

۹) مجموع مبالغ ذخایر عام و خاص برای جذب زیان های اعتباری برآورد شده مرتبط با پرتفوی وام می بایست از کفایت لازم برخوردار باشد.

۶۴) یک بانک می بایست کل ذخایر را در سطحی حفظ نماید که برای جذب زیان های اعتباری برآورد شده در رابطه با پرتفوی وام کفایت داشته باشد. برای اطمینان از این که کل مبلغ ذخایر با اطلاعات جاری در خصوص قابلیت وصول پرتفوی وام هم خوانی داشته باشد، در تهیه گزارش های سالیانه و میان دوره ای و در صورت نیاز

^۱ - در بعضی کشورها یک دوره شش ماهه بیانگر دوره ای منطقی برای در نظر گرفتن بازپرداخت های از سر گرفته شده (اصل و فرع وام قراردادی) توسط قرض گیرنده می باشد.

به کرات بیشتر، کفایت ذخایر خاص و عام می‌بایست مورد بررسی و بازنگری قرار گیرد. هنگام ذخیره‌گیری، بانک نمی‌بایست به منظور دستیابی به یک سطح دلخواهی از سود، در دوره جاری یا دوره آتی، زیان‌های وام را بیش از حد یا کمتر برآورد نماید. (۶۵) در برآورد زیان‌های اعتباری، می‌بایست همه عوامل مهمی که بر قابلیت وصول پرتفوی وام در تاریخ ارزیابی اثرگذار است منعکس گردد. ارزیابی سطح مناسب ذخایر، ضرورتاً یک درجه‌ای از ذهنیت را در بر دارد. به هر حال، اعمال اختیارات مدیریت می‌بایست موقوف بر ایجاد سیاست‌ها و رویه‌هایی باشد که با موارد بحث شده در بخش II انطباق داشته باشد. ارزیابی‌ها می‌بایست به شیوه‌ای سیستماتیک اجرا گردند به طوری که با توجه به معیارهای عینی و با تکیه بر مدارک و مستندات کافی صورت گیرند.

(۶۶) روش تعیین کل ذخایر می‌بایست شناسایی به موقع زیان‌های وام را اطمینان ببخشد. اگرچه تجربه زیان تاریخی و روندهای اخیر زیان‌های وارده، یک نقطه شروع منطقی برای تجزیه و تحلیل‌های موسسه می‌باشند، لیکن این عوامل به خودی خود، یک مبنای کافی برای تعیین سطح مناسب کل ذخایر نمی‌باشند. مدیریت می‌بایست هرگونه عامل جاری که احتمالاً با بحث زیان پرتفوی بانک مرتبط می‌باشد، به طوری که متفاوت از تجربه زیان تاریخی می‌باشد، در نظر بگیرد که شامل:

a. تغییرات در رویه‌ها و سیاست‌های قرض‌دهی شامل استانداردهای تعهدات^۱ و وصول، حذف (به حساب زیان منظور کردن) و رویه‌های باز یافت.

۱ - سیاست عمومی قرض‌دهی بانک نوعاً به وسیله رویه‌ها، رهنمودها و استانداردهای تفصیلی و تعهدات تکمیل می‌گردد. این مهم به این دلیل صورت می‌گیرد که فرآیند موافقت و تصویب وام بانک و حفظ سطح مطلوب ریسک به نحو مناسب صورت گیرد. به عبارت دیگر استانداردهای تعهدات اموری از قبیل استانداردهای اندازه مشتری، الزامات استهلاک، استانداردهای سررسید، پوشش وثیقه‌ای، ارزیابی وثیقه و استانداردهای ضامن را مشخص می‌سازد.

- b. تغییر و توسعه در وضعیت تجاری و اقتصادی بین‌المللی، ملی و محلی شامل شرایط بخش‌های متفاوت بازار.
- c. تغییرات غیرمعمولی در روند، حجم و شدت وام‌های سررسید گذشته^۱ و همچنین تغییر روند حجم وام‌های آسیب‌دیده، تجدید ساختار وام‌های مساله دار و دیگر تعدیل و اصلاحات وام‌ها.
- d. وجود و اثر هرگونه تمرکز اعتباری و تغییرات به وجود آمده در سطح چنین تمرکزهایی.
- e. اثر عوامل خارجی مانند رقابت، الزامات نظارتی و قانونی بر روی سطح زیان‌های اعتباری برآورد شده در خصوص پرتفوی جاری موسسه.
- f. تغییر در رویکرد نسبت به ریسک پرتفوی.

(۶۷) به شرطی مدیریت، برآوردهای ذخیره را با توجه به این عوامل تعدیل می‌نماید که مستندات به طور واضح اثر برآوردی تغییرات عوامل مذکور را بر روی تجربه هزینه تاریخی نشان دهد.

(۶۸) تجزیه و تحلیل نسبت می‌تواند به عنوان یک ابزار تکمیلی برای ارزیابی عقلایی از ذخایر مفید باشد که این امر از طریق شناسایی روندهای متفاوت (در مقایسه با دیگر موسسات در طی زمان) در روابط بین ذخایر کلی و معیارهای متنوعی مانند وام‌های آسیب‌دیده و سررسید گذشته و یا کل وام‌ها صورت می‌گیرد. اگر چه این مقایسات می‌تواند یک شاخص مفیدی برای قضاوت در خصوص کفایت ذخایر باشد، لیکن آنها به خودی خود مبنایی کافی برای تعیین کفایت کل ذخایر نمی‌باشند. بالاخص این که حتی با انجام چنین تجزیه و تحلیلی، نیاز به یک تجزیه و تحلیل جامع از پرتفوی وام و عوامل اثرگذار بر قابلیت وصول آن وجود خواهد داشت.

۱ - سیستم طبقه‌بندی یا رتبه‌بندی وام همه وام‌ها را مطابق با درجه ریسک زیان، طبقه‌بندی می‌نماید.

(d) شناسایی در آمد

۱۰) هر بانک می‌بایست در آمد حاصل از بهره وام آسیب‌نندیده را بر مبنای رویه تعهدی و با استفاده از روش نرخ بهره موثر شناسایی نماید.

۶۹- بهره وام‌های آسیب‌نندیده می‌بایست براساس نرخ موثر و مطابق رویه تعهدی، بدون در نظر گرفتن زمان دریافت وجوه مربوطه در صورت سود و زیان شناسایی گردند.

نرخ بهره موثر نرخ تنزیلی است که جریان‌ات نقدی مربوط به قرارداد وام طی دوره بازپرداخت را معادل بهای تمام شده وام قرار می‌دهد^۱. درآمد بهره براساس نرخ بهره موثر، طی دوره مندرج در قرارداد وام اعطایی شناسایی می‌شود به گونه‌ای که بهره متعلقه به سرمایه‌گذاری ثبت شده با نرخ بازدهی ثابت گزارش می‌شود.

بنابراین تحت روش نرخ بهره موثر، بهره با توجه به مستهلک نمودن صرف یا کسر وام حاصل از تفاوت بین قیمت تمام شده وام و میزان آن در سررسید و همچنین مستهلک نمودن هرگونه هزینه مربوط به آن محاسبه می‌گردد.

۱۱) وقتی که وامی به عنوان آسیب‌نندیده شناسایی می‌شود بانک می‌بایست شناسایی بهره متعلقه را مطابق شرایط قرارداد متوقف نماید.

۷۰- همانطور که در بخش III(b) بحث گردید وام‌های آسیب‌نندیده می‌بایست حسب مقدار قابل بازیافت برآورد شده آنها اندازه‌گیری شود. بهره وام‌های آسیب‌نندیده چنانچه شکی در وصول اصل و فرع آن وجود داشته باشد نمی‌بایست در خالص درآمد موثر باشند. بنابراین برای وام‌های آسیب‌نندیده، بانک می‌بایست شناسایی

۱- نرخ بهره موثر وام‌های اعطاء شده (بدون صرف یا کسر) به وسیله بانک‌ها، نرخ بهره تعیین شده در قرارداد می‌باشد که بواسطه هزینه‌های خالص تعویقی قابل تعدیل می‌باشد.

بهره آنها را در خالص درآمد - مطابق شرایط اولیه قرارداد - متوقف نماید^۱.

بهره وصول نشده وام‌هایی که قبلاً براساس اصل تعهد، بهره مربوط به آنها شناسایی شده است می‌بایست از سود و زیان دوره کسر گردد (ایجاد ثبت معکوس) یا این که ذخیره خاص برای وام موصوف می‌بایست در نظر گرفته شود. در بعضی کشورها وقتی یک وام آسیب‌دیده حسب ارزش فعلی جریانات نقدی آتی مورد انتظار در دفاتر منعکس می‌گردد بهره مربوطه می‌تواند براساس رویه تعهدی در صورت‌های سود و زیان منعکس شود و نرخ بهره موثر مربوط به قرارداد اولیه وام به عنوان نرخ تنزیل در محاسبات مبنای عمل قرار گیرد. موسسه‌ای که ارزش فعلی را مبنای عمل قرار می‌دهد لیکن رویه نقدی را در شناسایی درآمد مورد استفاده قرار می‌دهد می‌تواند تعدیلات لازم در ذخیره وام مربوطه - که در صورت‌های مالی گزارش گردیده است - را به عمل آورد.

۷۱- به جز آنچه که به وسیله قوانین، مقررات یا الزامات نظارتی ممنوع گردیده است، تمام یا قسمتی از بهره نقدی دریافت شده مربوط به بهره وام‌های آسیب‌دیده - که شناسایی بر مبنای اصل تعهدی در خصوص آنها متوقف شده است - به عنوان درآمد بر مبنای نقدی شناسایی می‌گردد البته مادامی که سرمایه‌گذاری ثبت شده در خصوص وام در دفاتر (پس از کسر ذخیره خاص)، فرض شود که به طور کامل و به موقع قابل بازیافت است^۲.

۱ - در بعضی کشورها بانک‌ها براساس قوانین و مقررات به منظور حفظ حقوق و پیروی از قانون منع حسابداری دوگانه، می‌بایست بهره متعلق به وام‌های آسیب‌دیده را حسب شرایط اولیه قرارداد براساس اصل تعهدی در صورت‌های مالی شان شناسایی نمایند. برای حذف اثرات درآمدی شناسایی براساس اصل تعهدی، می‌بایست ذخیره خاص هم تراز در نظر در گرفته شود.

۲ - در بعضی کشورها قوانین و مقررات مشخص می‌نماید که پرداختی وام‌های آسیب‌دیده، چه بخشی از آن اصل و چه بخشی از آن فرع قلمداد گردد.

۷۲- وامی که یک بانک شناسایی بهره آن را متوقف نموده باشد فقط زمانی می‌بایست به وضعیت تعهدی برگردانده شود که وام به وضعیت آسیب‌ن دیده، مطابق آنچه که در بخش III(b) بحث گردید، اعاده شده باشد مگر این که:

الف - وام به صورت رسمی تجدید ساختار شده باشد (به صورتی که در ذیل شرح داده شده است)

ب - وام با قیمتی پایین تراز بهای تمام شده که مربوط به کیفیت اعتباری آن است خریداری شده باشد و این تنزیل بر مبنای "اصول صحیح و درست" در نظر گرفته می‌شود، که قابل وصول می‌باشد.

۷۳- یک وام آسیب‌دیده که تجدید ساختار گردیده باشد، به طوری که از نظر منطقی بازپرداخت و عملکرد آن مطابق شرایط تعدیل شده تضمین شده باشد، ممکن است به وضعیت تعهدی برگردانده شود. شرایطی که دال بر بهبود نسبی وضعیت قرض‌گیرنده و توانایی ادای بدهی‌ها توسط وی باشد عبارتند از فروش‌های عمده و اساسی، قراردادهای اجاره‌ای و اجاره بهاء‌های کسب شده توسط قرض‌گیرنده یا دیگر شرایطی که انتظار می‌رود جریان نقدی قرض‌گیرنده و توانایی قرض‌گیرنده در ادای بدهی‌ها و همچنین ایفای تعهدات بازپرداخت را بهبود ببخشد.

همچنین تعیین یک دوره منطقی مشخص شده برای ارزیابی عملکرد پرداخت قرض‌گیرنده مطابق با شرایط تعدیل شده، می‌تواند به عنوان یک فاکتور مهم در تعیین این که آیا تضمین منطقی برای بازپرداخت مطابق با شرایط تعدیل شده وام وجود دارد یا خیر، مطرح باشد.

۷۴- تعیین قابلیت وصول نهایی یک وام توسط یک بانک - با هدف گزارش‌دهی درآمد

بهره بر مبنای روش نقدی یا اعاده وام به وضعیت تعهدی - می‌بایست به اتکای ارزیابی مستند از وضعیت فعلی مالی قرض‌گیرنده و دیگر فاکتورهای اثرگذار بر وضعیت بازپرداخت، مانند توجه به عملکرد بازپرداخت قرض‌گیرنده و دیگر فاکتورهای مهم صورت گیرد.

IV- افشاهای عمومی

۷۵- وجود تفاوت در شیوه‌های تشریحی که بانک‌ها در کشورهای مختلف برای وام‌ها استفاده می‌کنند و همچنین درجه قضاوتی که در مدیریتشان اعمال می‌نمایند، افشاء کافی توسط بانک‌ها را ضروری می‌سازد^۱. این افشاهای می‌بایست به طور واضح با اصول شناسایی و اندازه‌گیری که در این مقاله بحث گردیده است مرتبط باشد.

این بخش درباره افشاء، خصوصاً در مورد فعالیت قرض‌دهی بانک‌ها و ریسک اعتباری در پرتفوی وام‌هایشان، رهنمودهایی را ارائه می‌نماید که رهنمودهای ارائه شده درخصوص حسابداری در دیگر بخش‌ها را تکمیل می‌نماید. این توصیه‌ها با سمت و سوق کلی (رهنمودهای کلی) مقاله "بهبود شفافیت بانکی" کمیته بال مطابقت دارد.

۷۶- استفاده‌کنندگان از گزارش‌های مالی بانک، به اطلاعاتی درخصوص منابع در معرض ریسک اعتباری و رویه‌های مدیریت ریسک، کیفیت پرتفوی وام، سوددهی آن و تاثیر زیان‌ها بر وضعیت مالی و عملکرد بانک نیاز دارند.

۱ - برای مثال استفاده بعضی کشورها از "حذف یا به حساب زیان منظور کردن دارایی" در مقابل "ذخیره‌گیری خاص" در دیگر کشورها، تحت شرایط مشابه، منجر به مشکلات عدیده‌ای برای مقایسه بانک‌ها در کشورها شده است. در کشورهایی که "حذف دارایی یا به حساب زیان منظور کردن آن" در یک سطح وسیعی مورد استفاده قرار می‌گیرد سمت و سوق وام‌های آسیب‌دیده، به عنوان درصدی از پرتفوی وام (و کل ذخایر)، به صورتی است که نسبت به کشورهایی که از ذخایر خاص استفاده می‌کنند بسیار کمتر است.

از آن جایی که افشاهای خاص هر بانک از نظر محتوی و وسعت (دامنه) مطابق با سطح و نوع فعالیت‌هایش (در انطباق با مفهوم اهمیت که در ذیل بحث گردیده است) متفاوت می‌باشد، لذا همه بانک‌ها برای استفاده‌کنندگان گزارش مالی می‌بایست به موقع اطلاعاتی را ارائه نمایند که یک تصویر دقیق و کامل از وضعیت ریسک اعتباری آنها بدست آورند.

۷۷- کمیته بال به عنوان یک حداقل، چهار حوزه اصلی در ذیل را مشخص نموده است که همه بانک‌ها می‌بایست اطلاعات دقیق و روشنی در گزارش‌های مالی سالیانه‌شان در رابطه با ریسک اعتباری در پرتفوی‌شان ارائه نمایند^۱.

❖ رویه‌ها و سیاست‌های حسابداری؛

❖ مدیریت ریسک اعتباری؛

❖ منابع در معرض ریسک اعتباری (شامل اطلاعاتی درباره انواع وام‌ها، وام‌های داخلی در مقابل وام‌های بین‌المللی، وام‌های تضمین شده به وسیله وثیقه و وام‌های تضمین نشده)؛

❖ کیفیت اعتباری (شامل اطلاعاتی درباره وام‌های آسیب‌دیده و سررسید گذشته، تغییرات در کیفیت اعتباری در طی دوره و تغییر در ذخایر)؛

۷۸- کمیته بال معتقد است که ۴ حوزه فهرست شده در فوق بیانگر حداقل افشاهایی می‌باشد که برای همه بانک‌ها قابلیت اجرا و اعمال دارد. کمیته انتظار دارد که همه بانک‌ها این موارد را سریعاً، در صورتی که تا به حال انجام نداده‌اند، اجرا نمایند. رهنمودهای افشاء که در این مقاله ارائه گردیده است عموماً با رهنمودهای جامع در خصوص اطلاعات ریسک اعتباری که در مقاله مشورتی "بهترین رویه‌های

۱ - همانطور که در مقاله "بهترین رویه‌های افشاء ریسک اعتباری" کمیته بال ذکر گردیده است یک بانک می‌بایست اطلاعات درآمدی را به منظور بهبود شفافیت وضعیت ریسک اعتباری‌اش افشا نماید.

افشاء ریسک اعتباری " کمیته بال - منتشره جولای ۱۹۹۹ - ارائه گردیده است،
مطابقت دارد.

رهنمودهای آن مقاله توصیه‌های ارائه شده در این مقاله را درخصوص ریسک اعتباری نه تنها در زمینه فعالیت‌های قرض‌دهی بلکه همچنین در زمینه دیگر منابع ریسک اعتباری شامل امور تجاری، سرمایه‌گذاری‌ها، مدیریت نقدینگی/وجوه و مدیریت دارایی‌ها تکمیل می‌نماید.

رهنمودهای افشاء مشروح در ذیل نمی‌بایست افشای اطلاعات مالکانه یا اطلاعات محرمانه درباره مشتریان یا رویه‌های مدیریت ریسک بانک را الزام‌آور سازد.

(۱۲) مطابق با مفهوم "اهمیت"، افشاء در گزارش‌های مالی سالیانه یک بانک می‌بایست با اندازه و ماهیت فعالیت‌های بانک سازگاری و انطباق داشته باشد.

۷۹- همه رویه‌های صحیح افشاء که در این بخش تعریف شده‌اند می‌بایست متناسب با مفهوم اهمیت (بیان شده در بخش II) مورد استفاده قرار گیرند. بنابراین اگر یک قلم افشا خاص با ارزیابی بانک مرتبط نباشد یک موسسه الزامی ندارد که همه افشاهای توصیه شده در ذیل را مد نظر قرار دهد. از طرف دیگر از بانک‌های متکی به بازارهای سرمایه (سرمایه‌گذار عمده) یا دارندگان پرتفوی وام‌های با ریسک بالا و موسسات بزرگ با فعالیت‌های پیچیده (مانند فعالیت‌های بین‌المللی عمده، فعالیت‌های پوشش ریسک اعتباری یا فروش وام‌ها) عموماً انتظار افشاهایی در سطح خیلی گسترده وجود دارد.

۸۰- موسسات برای ارائه هرچه بیشتر اطلاعات فهرست شده ذیل در صورت‌های مالی حسابرسی شده یا به عبارت دیگر صورت‌های مالی اساسی و یادداشت‌های همراه تشویق می‌گردند. خصوصاً افشا سیاست‌های حسابداری می‌بایست، در بخش حسابرسی شده گزارش مالی موجود باشد. اطلاعات درخصوص مدیریت ریسک و رویه‌ها و سیاست‌های کنترل می‌بایست در بخش حسابرسی نشده گزارش مالی، برای مثال در تجزیه و تحلیل و مبحث مدیریت، افشاء گردد.

۲) رویه‌ها و سیاست‌های حسابداری

۱۳) هر بانک می‌بایست اطلاعاتی درباره رویه‌ها و سیاست‌های حسابداری و شیوه‌هایی که برای حسابداری وام‌ها استفاده می‌کند، افشا نماید.

۸۱- هر بانک می‌بایست درباره رویه‌ها و سیاست‌های حسابداری اش در خصوص وام‌ها و آسیب وام (همچنین حسابداری اثرات تغییر در این سیاست‌ها) و شیوه‌های به کارگیری این سیاست‌ها اطلاعاتی ارائه نماید. آن می‌بایست اطلاعاتی درباره سیاست‌هایش در خصوص موارد ذیل افشا نماید:

مبنای اندازه‌گیری وام‌های آسیب‌نندیده در شناسایی اولیه و شناسایی بعدی آنها، شناسایی درآمد در خصوص وام‌های آسیب‌نندیده شامل شناسایی بهره و رفتار هزینه‌ها (برای مثال روش نرخ بهره موثر)، این که چگونه و چه وقت یک وام آسیب‌دیده تلقی می‌گردد، مبنای اندازه‌گیری وام‌های آسیب‌دیده به چه صورت می‌باشد، با توجه به اهداف حسابداری و افشاء چه وقت وام‌ها به عنوان سررسید گذشته تلقی می‌شوند. (تعداد روزهای تعویقی تا جایی که مناسب است)، مبنای حذف یا به حساب زیان منظور کردن وام‌ها، حسابداری باز یافت‌ها، این که چه وقت از شناسایی بهره متعلق به یک وام دست برداشته شود (متوقف می‌گردد) و این که چگونه درآمد وام‌های آسیب‌دیده را شناسایی می‌نماید (شناسایی بهره).

۸۲- نمی‌بایست چنین فرض کرد که فهرست فوق‌الذکر جامع و کامل می‌باشد. مثال‌هایی از دیگر موارد و شرایطی که افشاءهای جداگانه‌ای از سیاست‌های حسابداری را ایجاب می‌نماید شامل موارد ذیل می‌باشد. ذخیره‌گیری برای ریسک کشوری، معاملات مربوط به تبدیل به اوراق بهادار کردن دارایی‌ها جایی که یک بهره مستمر وجود دارد، کسر یا صرف وام‌های تحصیل شده از اشخاص ثالث، روابط پوششی اثرگذار بر اندازه‌گیری وام‌ها، ترتیبات پایاپای کردن حساب‌ها که بر نمایش وام‌ها در ترازنامه اثرگذار است و وام‌های نگهداشته شده برای فروش (تا جایی که امکان‌پذیر است).

۱۴) هر بانک می‌بایست اطلاعاتی درباره سیاست‌های حسابداری و روش‌هایی که برای تعیین ذخایر خاص و عام استفاده می‌کند افشاء نماید. همچنین بانک می‌بایست مفروضات کلیدی مورد استفاده را تشریح نماید.

۸۳- هر بانک می‌بایست سیاست‌های حسابداری و شیوه‌هایی که آن برای تعیین ذخایر خاص و عام از جمله ذخیره‌گیری برای گروه‌های وامی با مقادیر کوچک استفاده می‌کند، تشریح نماید. چنین اطلاعاتی می‌بایست شامل شرحی از انواع ذخایر و مفروضات کلیدی استفاده شده در تعیین ذخایر مانند نرخ‌های نکول، چگونگی استفاده از تجارب تاریخی نکول برای طبقه‌بندی‌های متفاوت از وام‌ها، شرایط جاری، تغییرات در ترکیب پرتفوی و روند دیرکردها و بازیافت‌ها باشد. علاوه بر این، بانک می‌بایست اطلاعاتی درباره همه عوامل مرتبط دیگر مانند وجود و تاثیر تمرکزهای اعتباری و تغییرات در سطح چنین تمرکزهایی، تغییرات در محیط فعالیت قرض‌گیرندگان و تغییرات در سیاست‌ها و رویه‌های قرض‌دهی از جمله استانداردهای ایجاد تعهد و رویه‌های بازیافت و وصول، افشاء نماید.

(b) مدیریت ریسک اعتباری

۱۵) هر بانک می‌بایست اطلاعاتی کیفی درباره مدیریت ریسک اعتباری و رویه‌ها و سیاست‌های کنترلی خود افشاء نماید.

۸۴- هر بانک می‌بایست اطلاعاتی درباره اهداف، استراتژی‌ها و رویه‌های مورد استفاده‌اش برای مدیریت و کنترل ریسک اعتباری پرتفوی وام افشاء نماید.^۱ این

۱ - موسساتی که ریسک اعتباری از انواع مختلف فعالیت‌ها را متحمل می‌شوند (از جمله فعالیت‌های قرض‌دهی، تجارت و سرمایه‌گذاری) مناسب آن است که سیاست‌های کنترلی و مدیریت ریسک مرتبط با پرتفوی وام را، به عنوان بخشی از افشای رویه‌ها و سیاست‌های کنترل و مدیریت کل ریسک، ارائه نمایند.

افشاها می‌بایست به وسیله اطلاعاتی درباره ساختار سازمانی بانک که مرتبط با مدیریت ریسک اعتباری باشد تکمیل گردد (برای مثال کمیته‌های اعتباری). افشاها می‌بایست شامل اطلاعاتی درباره مدیریت ریسک و سیاست‌ها و رویه‌های کنترلی برای کاهش ریسک اعتباری باشد، مانند سیاست‌ها و رویه‌هایی برای: ضمانت‌نامه‌ها و وثیقه‌های مورد نیاز، بررسی و ارزیابی وام‌ها و وثیقه‌ها، سیستم‌های طبقه‌بندی ریسک اعتباری (سیستم‌های رتبه‌بندی وام‌ها)، ارزیابی‌های داخلی کیفیت اعتباری، نظارت بر اعتبارات سررسید گذشته، اعمال محدودیت و کنترل در خصوص منابع در معرض ریسک، کاهش منابع در معرض ریسک از طریق پایاپای کردن حساب‌ها با توسل به اجبار قانونی و استفاده از ابزار مشتقه و بیمه اعتباری (از جمله این که چگونه این ابزارها بر شناسایی و اندازه‌گیری زیان‌های بانک اثرگذار می‌باشد).

(C) منابع در معرض ریسک اعتباری

- ۱۶) هر بانک می‌بایست اطلاعاتی درباره وام‌ها بر اساس گروه‌های اصلی استقراض‌کنندگان افشا نماید.
- ۸۵- هر بانک می‌بایست اطلاعاتی درباره ترکیب پرتفوی وام بر مبنای گروه‌های عمده قرض‌گیرندگان افشا نماید (برای مثال وام‌های تجاری، وام‌های مصرفی، اشخاص ثالث). برای به دست آوردن دیدی کامل، این اطلاعات عددی می‌بایست در متن افشای سیاست‌های مدیریت ریسک بانک صورت گیرد خصوصاً اثرات تکنیک‌های کاهش ریسک مانند معاملات پوششی، استفاده از وثیقه و پایاپای کردن (خالص‌سازی) حساب‌ها می‌بایست به طور واضح ارائه و افشاء گردد.
- ۸۶- وام‌های تجاری می‌بایست بر حسب بخش‌های عمده و مهم افشا گردند (برای مثال املاک و مستغلات، معدن).
- ۸۷- هم‌چنین این نوع طبقه‌بندی می‌بایست برای دادن خلاصه اطلاعاتی درخصوص ترکیب پرتفوی وام بر حسب نوع وام (برای مثال وام‌های رهنی، وام‌هایی در قالب

کارت‌های اعتباری، تامین مالی به صورت اجاره‌ای)، نوع وثیقه (برای مثال دارایی‌های مسکونی، دارایی‌های تجاری، تضمین‌های دولتی، وام بدون وثیقه) و ارزش‌های اعتباری (برای مثال بر مبنای رتبه‌بندی داخلی یا خارجی) مناسب باشد.

۱۷) هر بانک می‌بایست اطلاعاتی درباره وام‌ها برحسب مناطق جغرافیایی افشا نماید.

۸۸- هر بانک می‌بایست خلاصه اطلاعاتی درباره توزیع جغرافیایی وام‌ها از جمله از نظر بین‌المللی و داخلی بودن آنها افشا نماید.

یک بانک، علاوه بر این که اطلاعاتی درخصوص وام‌ها برحسب داخلی یا بین‌المللی بودن ارائه می‌نماید هم‌چنین می‌بایست اطلاعاتی به صورت تفکیکی تر و جزئی‌تر از جمله برحسب حوزه‌های جغرافیایی مرتبط نیز ارائه نماید، البته با الزام به این که وام‌های کلان به صورت جداگانه افشا گردند. حوزه‌های جغرافیایی می‌تواند ترکیبی از کشورهای انفرادی، گروهی از کشورها یا نواحی داخل کشورها باشد. هم‌چنین هر بانک می‌بایست در زمینه چگونگی تخصیص وام‌ها به حوزه‌های جغرافیایی اطلاعاتی را ارائه نماید (برای مثال محل زندگی قرض‌گیرنده).

۱۸) هر بانک می‌بایست اطلاعاتی درباره تمرکزهای عمده و معنی‌دار ریسک اعتباری افشا نماید.

۸۹- هر بانک، سیاست‌ها و رویه‌هایش برای تعیین تمرکزها (شاخص‌های تعیین تمرکز) و این که چه چیزی را به عنوان تمرکز عمده و مهم تلقی می‌نماید، می‌بایست افشا نماید و هم‌چنین برای هر تمرکزی می‌بایست شرحی از خصایص مشترک که تمرکز و اهمیت منابع در معرض ریسک را مشخص می‌سازد افشا نماید. این افشاها می‌بایست به شیوه‌ای طراحی شوند که با "الزامات سری و محرمانه بودن" مطابقت و سازگاری داشته باشند. تمرکزهای عمده و مهم ریسک اعتباری می‌تواند ناشی از قرض‌گیرندگان واحد، قرض‌گیرندگان مرتبط یا گروهی از قرض‌گیرندگان یک بخش اقتصادی خاص یا یک کشور یا ناحیه خاص صورت

گیرد. نوعاً وام‌ها براساس مشخصات مشابه و مشترک مثلاً برحسب ریسک اعتباری و این که می‌توان انتظار داشت که به طور مشابه به وسیله تغییرات اقتصادی یا دیگر شرایط تحت تاثیر قرار گیرند (مثلاً بخش‌های صنعتی خاص) طبقه‌بندی می‌گردند.

۱۹) هر بانک می‌بایست خلاصه اطلاعاتی درباره تعهدات قراردادی در رابطه با تریبالی که برای آنها حق رجوع پیش‌بینی شده و زیان‌های مورد انتظار تحت این قراردادها افشا نماید.

۹۰- هر بانک می‌بایست اطلاعاتی درباره معاملات با حق رجوع افشا نماید. معاملات مزبور معاملاتی هستند که بانک وام‌هایی را به فروش رسانده است اما مسئولیت پرداخت در مواردی که قرض‌گیرنده (گان) نسبت به ادای بدهی نکول یا قصور می‌نماید برای بانک (نسبت به انجام مانده تعهدات قرارداد) حفظ می‌شود برای مثال بانک وامی را به یک شخص ثالث با یک ضمانت فروخته باشد.

افشاهای می‌بایست شامل خلاصه اطلاعاتی درباره شرایط قرارداد (توافقات) حق رجوع و زیان‌های مورد انتظار تحت چنین قراردادهایی باشد. بانک ممکن است این قراردادها را به عنوان ریسک اعتباری عمده و مهم افشا نماید اما اغلب در صورت‌های مالی شناسایی نمی‌شوند.

(d) کیفیت اعتباری

۲۰) هر بانک می‌بایست وام‌های آسیب‌دیده و سررسید گذشته را بر مبنای اطلاعات و گروه‌های اصلی قرض‌گیرندگان و مقادیر ذخایر خاص و عامی که برای هر طبقه در نظر گرفته می‌شود، افشا نماید.

۹۱- هر بانک می‌بایست اطلاعات جامعی درباره وام‌های آسیب‌دیده، وام‌های سررسید گذشته و ذخایر به تفکیک بر حسب گروه‌ها و طبقات اصلی قرض‌گیرندگان^۱ افشا نماید. برای هر طبقه اصلی از قرض‌گیرندگان و برای کل پرتفوی وام می‌بایست به طور جداگانه افشاهای ذیل صورت گیرد:

۱ - اگر بانکی وام‌هایی به اشخاص مرتبط اعطاء نموده باشد می‌بایست ماهیت و مقدار چنین وام‌هایی را افشا نماید.

کل وام‌ها، ذخایر ابتدا و انتهای دوره، کل وام‌های آسیب‌دیده، به صورت جداگانه نشان دادن وام‌های سررسید گذشته (برای مثال ۹۰ روز یا بیشتر) ^۱، وام‌های سررسید گذشته آسیب‌دیده (برای مثال ۹۰ روز یا بیشتر)، ذخایر خاص و ذخایر عام.

۹۲- اگر بخشی از ذخیره عام به یک طبقه اصلی و عمده از قرض‌گیرندگان تخصیص داده نشده باشد مقدار این بخش از ذخایر می‌بایست به طور جداگانه افشا گردد.^۲ موسسات برای افشای زوال کیفیت اعتباری در پرتفوی وام‌ها از نظر سایر مقیاس‌های مهم و معنی‌دار، تشویق می‌شوند.

۲۱) هر بانک می‌بایست اطلاعاتی درباره وام‌های آسیب‌دیده و سررسید گذشته بر حسب مناطق جغرافیایی و در صورت امکان مقدار ذخایر عام و خاص مربوط به هر منطقه را افشاء نماید.

۹۳- اطلاعات درباره میزان وام‌های آسیب‌دیده و سررسید گذشته می‌بایست بر حسب نواحی جغرافیایی نیز افشا گردد. در صورت امکان بانک می‌بایست میزان ذخایر خاص و عام مرتبط با هر ناحیه جغرافیایی را نیز افشا نماید. چنانچه بخشی از ذخایر عام، به حوزه‌های جغرافیایی تخصیص داده نشده باشد مبلغ مربوط به این بخش نیز می‌بایست به صورت جداگانه افشا گردد.

۲۲) هر بانک می‌بایست یک صورت تطبیقی از تغییرات به وجود آمده در ذخایر وام‌های آسیب‌دیده افشا نماید.

۹۴- هر بانک می‌بایست جزییات تغییرات ذخایر در طی دوره را ("مطابق زمان‌بندی پیش‌بینی شده") به صورت تکفیکی براساس ذخایر خاص و عام افشا نماید.

۱ - بانک‌ها می‌بایست افشا کنند که "سررسید گذشته" را چگونه تعریف نموده‌اند. موسسات برای ارائه یک تجزیه و تحلیل سنی از وام‌های سررسید گذشته (۹۰-۳۰ روزه، ۱۷۹-۹۰ روزه، ۱۸۰ روزه یا بیشتر) تشویق می‌گردند.

۲ - اگر بانکی از تکنیک‌های مدل‌سازی پرتفولیو برای تعیین سطح کلی ذخایر استفاده می‌کند، ممکن است امکان تعیین ذخایر به صورت تکفیکی به وسیله آن وجود نداشته باشد. بنابراین اطلاعات بیشتری می‌بایست درباره نحوه استفاده و مفروضات کلیدی تکنیک‌های مدل‌سازی ارائه گردد.

اطلاعات می‌بایست بیان‌کننده: شرحی از نوع ذخیره، مانده ذخیره در اول دوره، مقادیری از ذخیره که طی دوره به حساب زیان منظور شده (یا حذف شده)، مقادیر بازیافت شده از آنچه که قبلاً به حساب زیان منظور شده (حذف شده) و در نتیجه به ذخایر قبلی در طی دوره اضافه گردیده است، مقادیر کنار گذاشته شده (ثبتهای معکوس شده) برای زیان احتمالی برآورد شده و ام‌ها در طی دوره، هر گونه تعدیلات صورت گرفته دیگر در خصوص ذخایر (برای مثال تفاوت نرخ‌های تبدیلات، ادغام و تلفیق‌های تجاری، خرید و واگذاری شعب)، نقل و انتقالات صورت گرفته در میان ذخایر و مانده ذخایر در پایان دوره، مقادیر حذف شده (به حساب زیان منظور شده) و همچنین بازیافتهایی که مستقیماً در صورت حساب سود و زیان ثبت گردیده‌اند می‌بایست افشا گردند.

۲۳) هر بانک می‌بایست مانده وام‌هایی که بهره متعلقه (مطابق شرایط قرارداد اولیه وام) به دلیل زوال کیفیت اعتباری متوقف شده است را افشا نماید.

۹۵- هر بانک می‌بایست اطلاعاتی درباره مانده خالص ذخایر وام‌هایی که بهره آنها شناسایی نشده^۱ و اثری که این عدم شناسایی بهره بر صورت حساب سود و زیانش دارد را افشا نماید^۲.

۲۴) هر بانک می‌بایست خلاصه اطلاعاتی درباره وام‌های مساله دار که در طی سال تجدید ساختار شده‌اند افشا نماید.

۹۶- هر بانک می‌بایست اطلاعات کلی درباره مقدار و ماهیت امتیازهایی که در خصوص وام‌های مساله‌دار تجدید ساختار شده در طی دوره اعطا گردیده است

۱ - همانطور که در بخش III(d) گفته شد، بانک‌ها در بعضی کشورها بهره وام‌های آسیب‌دیده را شناسایی می‌کنند و در کنار آن ذخایر خاص برای کل مبلغ بهره شناسایی شده در نظر می‌گیرند.

۲ - اگر بانکی بهره وام‌های آسیب‌دیده را شناسایی کرده باشد (برای مثال یک مبلغی کمتر از شرایط قرارداد اولیه وام) بانک مزبور تشویق می‌شود تا مقدار بهره شناسایی شده را برای دوره مربوطه افشا نماید.

را افشا نماید. روش استفاده شده برای اندازه‌گیری کاهش ارزش اسمی وام تجدید ساختار شده نیز می‌بایست افشا گردد.

۷- نقش ناظران

۲۵) ناظران بانکی می‌بایست اثر بخشی سیاست‌ها و رویه‌های بانک در خصوص سنجش کیفیت وام‌ها را ارزیابی نمایند.

۹۷- ناظران بانکی می‌بایست متقاعد شوند که:

❖ سیستم بررسی و ارزیابی وام بانک از نظر شناسایی، طبقه‌بندی، نظارت و همچنین مشخص نمودن به موقع وام‌هایی که دارای مساله کیفیت اعتباری می‌باشند، از کیفیت لازم برخوردار می‌باشد.

❖ اطلاعات مناسب درباره کیفیت اعتباری پرتفوی وام و ذخایر مربوط به صورت منظم و به موقع به هیات مدیره و مدیریت ارشد بانک ارائه می‌گردد.

❖ قضاوت مدیریت که به شیوه‌ای مناسب اعمال می‌گردد، منطقی بوده و با توجه به ملاحظات گفته شده در بخش II صورت می‌گیرد.

۹۸- برای انجام این ارزیابی‌ها، ناظران ممکن است تصمیم به جمع‌آوری اطلاعاتی بگیرند که عموماً از طریق گزارش‌های نظارتی منظم یا از طریق بازرسی‌های حضوری افشا نگردیده است.

۲۶) ناظران بانکی می‌بایست متقاعد شوند که روش‌های به کار گرفته شده به وسیله هر بانک برای محاسبه ذخایر، بر یک معیار احتیاطی منطقی و مناسب - مطابق با رویه‌ها و سیاست‌های صحیح - طراحی گردیده است.

۹۹- ناظران می‌بایست متقاعد شوند که:

❖ رویه‌های مورد استفاده به وسیله بانک برای ذخیره‌گیری در خصوص وام انفرادی، احتیاطی بوده و معیارهای ذکر شده در این مقاله از جمله "ارزیابی به روز وثیقه‌ها" و "پیش‌بینی جریان نقدی بر مبنای ارزیابی‌های جاری از شرایط اقتصادی" لحاظ گردیده است.

- ❖ چارچوب‌های مقرر شده درخصوص ذخیره عام، کافی و مناسب بوده و این که متدولوژی استفاده شده منطقی می‌باشد.
- ❖ فرآیند مورد استفاده به وسیله مدیریت برای تعیین کل ذخایر، مناسب می‌باشد و مفروضات و قضاوت‌های استفاده شده به وسیله مدیریت در این فرآیند نیز مطلوب می‌باشد.
- ❖ کل ذخایر نسبت به کل ریسک اعتباری در پرتفوی وام کافی و مناسب می‌باشد.
- ❖ زیان‌های شناخته شده، به موقع و به طور مناسب از طریق ذخیره خاص یا حذف (به حساب زیان منظور نمودن) مورد شناسایی قرار گرفته‌اند.
- ❖ بانک از رویه‌ها و اصول حسابداری مطابق با آنچه که در این مقاله خلاصه شده است، تبعیت می‌نماید.

VI – مسائل پدیدار شده:

(a) حسابداری و افشا ارزش منصفانه

(I) حسابداری ارزش منصفانه

- ۱۰۰- تدوین‌کنندگان خبره و برجسته استانداردهای حسابداری، اخیراً درخصوص مزایا و معایب حرکت به سمت استفاده هرچه بیشتر از حسابداری ارزش منصفانه برای ابزارهای مالی، مباحثی را مطرح نموده‌اند. خصوصاً کمیته استانداردهای بین‌المللی حسابداری IASC و تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری چندین کشور در حال انجام یک پروژه مشترکی می‌باشند که عمدتاً بر رویکرد معرفی جامع حسابداری ارزش منصفانه برای بدهی‌ها و دارایی‌های مالی متمرکز می‌باشد.
- ۱۰۱- بدون استانداردهای متعادل و احتیاطی برای برآورد ارزش‌های منصفانه،

خصوصاً وقتی که بازارهای فعال وجود نداشته باشد (مانند آنچه که برای وام‌ها وجود دارد)، استفاده از مدل ارزش منصفانه قابلیت اتکاء به ارزش صورت‌های مالی را کاهش و نوسان مقادیر حقوق صاحبان سهام و سودها را افزایش خواهد داد.

۱۰۲- کمیته بال معتقد است که حسابداری ارزش منصفانه وقتی مناسب است که این رویکرد عملی باشد برای مثال برای ابزارهای مالی با اهداف تجاری به کار گرفته شود. به هر حال کار بیشتری مورد نیاز است تا رهنمود مناسبی درخصوص برآوردهای ارزش منصفانه و همچنین تعدیلات ارزش منصفانه ارائه گردد قبل از آن که این سیستم حسابداری بتواند به بدهی‌ها و دارایی‌های مالی همه دفاتر بانکی گسترش پیدا کند.

در حالی که بسیاری از اهداف رویکرد ارزش منصفانه مطلوب می‌باشد اما کمیته بال در حال حاضر درباره پذیرش جامع این رویکرد جهت اعمال در ترازنامه و صورت حساب سود و زیان قید و بندهای جدی دارد.

(ii) افشای ارزش منصفانه

۱۰۳- به عنوان یک رویکرد ثانوی برای تکمیل حسابداری ارزش منصفانه، کمیته بال بر این باور است که الزامات افشا برای استفاده فعالان اصلی بازار می‌بایست توسعه داده شود به طوری که این الزامات، افشای ارزش منصفانه ابزارهای مالی بر یک پایه تلفیقی از افشاهای کمی و کیفی را در برگیرد. افشای اطلاعات ارزش منصفانه درخصوص ابزارهای مالی ممکن است به تهیه‌کنندگان صورت‌های مالی درخصوص تجربه جدید برای تهیه صورت‌های مالی مختلف کمک نماید و همچنین به خوانندگان در درک بهتر تغییر و جابه‌جایی ارقام و اندازه آنها کمک نماید.

۱۰۴- در بعضی کشورها که از توصیه‌های کمیته بال تبعیت می‌نمایند بانک‌ها و دیگر شرکت‌ها ملزمند تا ارزش منصفانه ابزارهای مالی موجود در پرتفوی وامشان را افشا نمایند. این الزامات همچنین در ضوابط تعیین شده از سوی "کمیته استانداردهای بین‌المللی حسابداری (IASB)" (استاندارد شماره ۳۰ بین‌المللی حسابداری که به وسیله استانداردهای شماره ۳۹ و ۳۲ اصلاح گردید) پیش‌بینی گردیده است. موسساتی که ارزش منصفانه را افشا می‌نمایند می‌بایست روش‌های اتخاذ شده برای تعیین ارزش‌های منصفانه و همچنین مفروضات اصلی استفاده شده برای تخمین خود را افشا نمایند، ضمناً آنها ترغیب می‌گردند تا مسائل مرتبط با تخمین ارزش‌های منصفانه را بیان نمایند.

(b) رویکردهای جدید ذخیره‌گیری در خصوص ریسک اعتباری

۱۰۵- بسیاری از بانک‌ها دارای سیستم‌های طبقه‌بندی و رتبه‌بندی اعتباری داخلی می‌باشند که برای شناسایی و نظارت بر ریسک اعتباری پرتفوی وام مورد استفاده قرار می‌دهند. این سیستم‌ها همچنین در کمک به بانک‌ها برای بررسی و ارزیابی از کفایت ذخایر زیان وام‌هایشان نقش مهمی را ایفا می‌نمایند. کمیته بال در حال مطالعه برنامه و ساختار بانکی سیستم‌های رتبه‌بندی اعتباری داخلی می‌باشد تا نحوه استفاده از این سیستم‌ها را در مدیریت ریسک بانک‌ها و فرآیند ارزیابی وام‌ها مورد بررسی قرار دهد.

۱۰۶- بعضی بانک‌ها در جستجوی رویکردهایی برای ذخیره‌گیری وام‌ها با تکیه بر تکنیک‌های مدل‌سازی اعتباری می‌باشند. بانک‌ها تحت این تکنیک‌ها، به دنبال اندازه‌گیری منابع در معرض ریسک اعتباری برای افق‌های زمانی بلندتر از آنچه که به صورت سنتی صورت می‌گیرد می‌باشند. همچنین ذخایر تحت این رویکرد ممکن است زودتر از دیگر رویکردها تهیه و تدارک دیده شود. تعیین چنین ذخایر

وام‌هایی بر مبنای تجزیه و تحلیل آماری از داده‌های زیان تاریخی و دیگر عواملی که موسسه از رفتار زیان آتی پیش‌بینی می‌نماید، صورت می‌پذیرد. این تکنیک‌های آماری ممکن است به طور مشابه برای مدیریت اصولی ریسک اعتباری بانک و مدل‌های قیمت‌گذاری مورد استفاده قرار گیرد.

۱۰۷- کمیته بال در حوزه مدل‌های اعتباری به صورت کلی مطالعاتی را انجام داده است.^۱ کمیته اذعان دارد که پیشرفت در تکنیک‌های مدل‌سازی برای تعیین و ارزیابی کفایت ذخیره زیان وام‌ها توسط بانک‌های فعال در سطح بین‌المللی ممکن است مسائلی را به دنبال داشته باشد.

از دیدگاه نظارتی مطلوب است که اصول حسابداری قادر باشد تا استفاده مناسب از متدولوژی‌های آماری را امکان‌پذیر سازد. به طوری که منصفانه و به طور واقع‌گرایانه، وضعیت مالی، عملکرد مالی و نحوه مدیریت ریسک بانک را به تصویر بکشد. بنابراین کمیته بال به این پیشرفت‌ها تداوم می‌بخشد و مسائل را تحت بازنگری قرار می‌دهد تا بدین وسیله کیفیت ذخیره‌گیری زیان وام را بهبود بخشد و رهنمودهای بیشتری درخصوص استفاده از این تکنیک‌های ذخیره‌گیری (به طوری که ارتقا می‌یابند) ارائه نماید.

۱ - در آوریل ۱۹۹۹ کمیته بال مقاله "مدل‌سازی ریسک اعتباری: کاربرد و رویه‌های جاری" را منتشر نمود. این مقاله مسائل و رویه‌های جاری در مدل‌سازی ریسک اعتباری را تشریح می‌نماید و همچنین محدودیت‌ها، نتایج و آثار بالقوه آن را با اهداف مقرراتی و نظارتی مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌دهد.

ضمیمه:

جدول انطباقی استانداردهای بین‌المللی حسابداری: برای کمک به خوانندگان به منظور مقایسه "رویه‌های صحیح" (ارائه شده در این مقاله) با استانداردهای بین‌المللی حسابداری (که بوسیله کمیته استانداردهای بین‌المللی حسابداری، IASC منتشر گردیده است)، در جدول ذیل قیاس این دو مجموعه توصیه‌ها، ارائه گردیده است.

استانداردهای بین‌المللی حسابداری (IAS)	رویه‌های صحیح توصیه شده در این گزارش
	۱- هر بانک ضروری است یک سیستم صحیح برای مدیریت ریسک اعتباری تعریف نماید.
	۲- قضاوت‌های مدیریت در رابطه با شناسایی و اندازه‌گیری آسیب‌های وارده به وام‌ها می‌بایست مطابق با رویه‌ها و سیاست‌هایی مستند صورت گیرد، به طوری که مبانی اصل سازگاری و اصل احتیاط را منعکس نماید.
IAS ۱.۲۰, Framework	۳- انتخاب و به کارگیری رویه‌ها و سیاست‌های حسابداری می‌بایست با مفاهیم اساسی حسابداری سازگاری و انطباق داشته باشد.
IAS ۳۹.۲۷	۴- هر بانک می‌بایست یک وام را صرفاً زمانی در ترازنامه‌اش شناسایی کند - خواه خود وام را ایجاد کرده باشد و خواه آن را خریداری کرده باشد - که طرف حساب مفاد قید شده در قرارداد وام باشد.
IAS ۳۹.۳۵	۵- هر بانک صرفاً هنگامی می‌بایست یک وام (یا بخشی از یک وام) را از ترازنامه‌اش حذف نماید که کنترل حقوق قراردادی نسبت به وام مزبور (یا بخشی از وام) را از دست بدهد. بانکی که چنین کنترلی را از دست می‌دهد اگر حقوقی نسبت به منافع تعیین شده در قرارداد شناسایی کرده باشد آن حقوق منقضی می‌گردد یا بانک از آن حقوق صرف‌نظر می‌نماید.
IAS ۳۹.۶۶	۶- هر بانک می‌بایست اساساً یک وام را بر حسب بهای تمام شده اندازه‌گیری نماید.
(IAS ۳۹.۱۰۹, IAS ۳۹.۱۱۱)	۷- وقتی که این احتمال وجود دارد که بانک قادر نخواهد بود یا دیگر اصلاً تضمینی وجود نداشته باشد که کل مبلغ وام‌ها را مطابق شرایط قرارداد وصول نماید بانک می‌بایست آسیب‌های وارده به یک وام یا یک گروه ارزیابی شده از وام‌ها، را شناسایی نماید. آسیب وارده می‌بایست به وسیله کاهش مبلغ اسمی وام (وام‌ها) از طریق ذخیره یا حذف (به حساب زیان منظور کردن) و لحاظ کردن آن در صورت حساب سود و زیان در دوره‌ای که آسیب رخ می‌دهد شناسایی گردد.

استانداردهای بین‌المللی حسابداری (IAS)	رویه‌های صحیح توصیه شده در این گزارش
(IAS ۳۹، ۱۱۱)	۸- هر بانک می‌بایست یک وام آسیب‌دیده را بر حسب مبلغ تخمینی قابل بازیافت آن اندازه‌گیری نماید.
	۹- مجموع مبالغ ذخایر عام و خاص به منظور جذب زیان‌های اعتباری تخمینی مرتبط با پرتفوی وام، می‌بایست از کفایت لازم برخوردار باشد.
IAS ۱۸، ۳۰، IAS ۳۹، ۷۳	۱۰- هر بانک می‌بایست درآمد حاصل از بهره وام آسیب‌دیده را بر مبنای رویه تعهدی و با استفاده از روش نرخ بهره موثر شناسایی نماید.
(IAS ۳۹، ۱۱۶)	۱۱- وقتی وامی به عنوان آسیب‌دیده شناسایی می‌شود بانک می‌بایست شناسایی بهره متعلقه را مطابق شرایط قرارداد متوقف کند.
IAS ۱، ۲۹، IAS ۳۰، Framework	۱۲- مطابق با مفهوم "اهمیت"، افشاها در گزارش‌های مالی سالیانه یک بانک می‌بایست با اندازه و ماهیت فعالیت‌های بانک سازگاری و انطباق داشته باشد.
IAS ۱، ۹۷، IAS ۳۰، ۴۳، IAS ۳۲، ۴۷	۱۳- هر بانک می‌بایست اطلاعاتی درباره رویه‌ها و سیاست‌های حسابداری و شیوه‌هایی که برای حسابداری وام‌ها استفاده می‌کند افشا نماید.
IAS ۱، ۹۷، IAS ۳۰، ۴۳، IAS ۳۲، ۴۷	۱۴- هر بانک می‌بایست اطلاعاتی درباره سیاست‌های حسابداری و روش‌هایی که برای تعیین ذخایر خاص و عام استفاده می‌کند افشا نماید و همچنین بانک می‌بایست مفروضات کلیدی مورد استفاده را تشریح نماید.
IAS ۳۲، ۴۳A (به وسیله IAS ۳۹ اصلاح گردیده است)	۱۵- هر بانک می‌بایست اطلاعاتی درباره مدیریت ریسک اعتباری و سیاست‌ها و رویه‌های کنترلی خود افشا نماید.
	۱۶- هر بانک می‌بایست اطلاعاتی درباره وام‌ها بر اساس گروه‌های اصلی استقرای کنندگان افشا نماید.
(IAS ۱۴)	۱۷- هر بانک می‌بایست اطلاعاتی درباره وام‌ها بر حسب مناطق جغرافیایی ارائه نماید.
IAS ۳۲، ۶۶ (b)، IAS ۳۰، ۴۰	۱۸- هر بانک می‌بایست اطلاعاتی درباره تمرکزهای عمده و معنی‌دار ریسک اعتباری افشا نماید.
(IAS ۳۰، ۲۶، IAS ۳۷، ۸۶)	۱۹- هر بانک می‌بایست خلاصه اطلاعاتی درباره تعهدات قراردادی در رابطه با ترتیباتی که برای آنها حق رجوع پیش‌بینی شده و زیان‌های مورد انتظار تحت این قراردادها، افشا نماید.
(IAS ۳۰، ۴۳ (c))	۲۰- هر بانک می‌بایست اطلاعاتی درباره وام‌های آسیب‌دیده و سررسید گذشته بر مبنای طبقات و گروه‌های اصلی فرض‌گیرندگان و مقادیر ذخایر خاص و عامی که برای هر طبقه و گروه در نظر گرفته می‌شود، افشا نماید.
	۲۱- هر بانک می‌بایست اطلاعاتی درباره وام‌های آسیب‌دیده و سررسید گذشته و در صورت امکان مقدار ذخایر خاص و عام مربوط به هر منطقه را افشا نماید.
IAS ۳۰، ۴۳ (b)	۲۲- هر بانک می‌بایست یک صورت تطبیقی از تغییرات به وجود آمده در ذخایر وام‌های آسیب‌دیده افشا نماید.
(IAS ۳۰، ۴۳ (d))	۲۳- هر بانک می‌بایست مانده وام‌هایی که بهره متعلقه (مطابق با شرایط قرارداد اولیه وام) به دلیل زوال کیفیت اعتباری متوقف شده است را افشا نماید.
	۲۴- هر بانک می‌بایست خلاصه اطلاعاتی در خصوص وام‌های مساله‌دار که در طی سال تجدید ساختار شده‌اند را افشا نماید.

استانداردهای بین‌المللی حسابداری (IAS)	رویه‌های صحیح توصیه شده در این گزارش
	۲۵- ناظران بانکی می‌بایست اثر بخشی رویه‌ها و سیاست‌های بانک در خصوص سنجش کیفیت وام‌ها را ارزیابی نمایند.
	۲۶- ناظران بانکی می‌بایست متقاعد شوند که روش‌های به کارگیری شده به وسیله هر بانک برای محاسبه ذخایر، بر یک معیار احتیاطی منطقی و درست - مطابق با رویه‌ها و سیاست‌های صحیح - طراحی گردیده است.

ماخذ:

BIS, Basel Committee on Banking Supervision July ۱۹۹۹, "Sound Practices for Loan Accounting and Disclosure".

استفاده از این نوشتار با ذکر ماخذ بلامانع است.